

برای پیروزی نهائی در جنگ تحمیلی

اتحاد مردم

ارگان اتحاد مکرانیک مردم ایران

شماره ۹۵ دوره دوم دوشنبه ۳۰ شهریورماه ۱۳۶۰ بها ۲۵ ریال

در سالگشت تجاوز صدامیان به خاک میهن انقلابی ما، کمتر کسی است که به یقین دریافته باشد که رژیم جنایتکار بغداد در رویارویی با انقلاب ایران شکست هولناکی خورده است. بی شک، واقعیتی که پیشروی جهانیان است خبراز هزاران شهید و مجروح، ویرانی دهها و دهها شهر و روستا

و آوارگی بیش از یک میلیون ایرانی می- دهد، اما شکست صدام راهم به صدای بلند فریاد می کند. در واقع، با توجه به هدفهای نقشه- مشترک آمریکا- صدام برای حمله به ایران، این تجاوز دو روز بعد از آغاز با شکست روبرو شده است. چنانکه همگان می دانند، نقشه

امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، که صدام مأمور اجرای آن شد، جنگ برق آسا برای اشغال خوزستان و بخشی از غرب کشور بود. به اعتراف صدام، متجاوزان به خود وعده می دارند که حداکثر در دو روز خوزستان و بخشی از بقیه در صفحه ۲

خط این بود که آمریکا اصلا منسی (فراموش) بشود... یکدسته شوروی را مطرح می کردند

تا آمریکا منسی بشود... خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود... امام خمینی

بمناسبت بزرگاری هفته جنگ: سلام بر شهیدان جنگ، درود بر رزمندگان

جبهه ها!

لحظاتی دیگر بیکراستوارش ترکشها را در آغوش می گیرد! اما تفنگش را هم چنان در دست می فشارد درود تاریخ بر اینان باد!



صفحه ۱۰

بازمانده لیبی اهارا باید زد و دقتانفس آمریکا بریده شود

نمی تواند کمر راست کند. خط لیبیالها، بدینسان، شکست، ولی اگر تصور شود که مقاومت لیبیالها به کلی شکسته شده است، خوشیاوری زیان بخشی خواهد بود، خط لیبیالها بطور عمده شکست است، ولی باز- مانده های تکه پاره آن، با جان سختی سعی دارد به بقیه در صفحه ۲

باصفوط دولت "گام به گام" خط سیاسی لیبیالها ضربه سختی خورد، ولی پس از مدت کوتاهی دوباره سر بلند کرد و مجدداً، این بار به پرچمداری بنی صدر "تعریفی" آغاز کرد. سقوط بنی صدر و فرار مشعشعانه او هر گونه نقاب استناری را از این "خط" برگرفت و این بار چنان ضربه کوبنده ای بر آن وارد آمد که دیگر

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

کره (دمکراتیک) از لحاظ جغرافیائی دور ولی از لحاظ مبارزه با امپریالیسم نزدیک به ماست

هیئتی از وزارت امور خارجه نیز حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را همراهی میکنند. پیش از خروج از کشور، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد علل مسافرت خود، گفت: بقیه در صفحه ۸

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در راه هیئتی برای دیدار و گفتگو با مقامات جمهوری دمکراتیک خلق کرد هوار داین کشور شد. در این مسافرت، سرهنگ نامجوی وزیر دفاع، چند تن از نمایندگان مجلس

محور درست داوری را برای تشخیص مشی انقلابی از ضد انقلابی لوث می کنند

انقلاب را آنطور که، خود می خواسته، به هرج و مرج سیاسی- اقتصادی و جنگ داخلی بکشاند و زمینه مداخله نظامی خود را فراهم کند. با اینحال خوش بینی زائد و دلا سودگی ساده اندیشانه خطاست. کارخانه دوزخی دسیسه کاری دشمن بقیه در صفحه ۱۱

انقلاب، بمب گذاری های ابلیسانه برای محور رجال انقلاب، شایعه سازی، تفرقه اندازی، ناراضی تراشی های حساب شده، تحریکات در مرزها، که همه و همه در زیر رهبری "سیا" و "موساد" و به دستور امپریالیسم آمریکا انجام می گیرد. این انقلاب اکنون قریب سه سال است که پای برجامانده و دشمن نتوانسته است کار

انقلاب ما به برکت پشتیبانی مردم زحمتکش و رهبری بی گبر و مدبرانه امام خمینی، تاکنون امواج گل آلود فراوانی را از سر گذرانده و پیرجا ایستاده است. همانطور که رهبران انقلاب مکرراتصریح کرده اند، علی رغم جنگ، محاصره اقتصادی، خرابکاری قشرهای ثروتمند از جهت احتکار و گرانفروشی، دسایس ضد

اجرای اصلاحات ارضی بنیادین برای انقلاب بزرگ ایران سرنوشت ساز است

باتشکیل کابینه وزیران آقای محمد رضا مهدوی کنی، که تدویم بی خدشه برنامه شهید دکتر باهنر را اعلام کرد، سرانجام اصلاحات ارضی در دستور روز قرار گرفت. وزیر کشاورزی اعلام کرده است که همین روزها لایحه قانونی در هیئت وزیران مورد بحث و تصویب قرار خواهد گرفت و در این صورت مسلمانان قبل از آغاز پائیز تقدیم مجلس خواهد شد. مجلس شورای اسلامی مدتهاست که، با نامه های به حضور امام خمینی، اصرار و تاکید خود را بر اجرای بزرگ مالکی و اجرای قانون اعلام کرده است. بنابر این جامعه انقلابی ما، اینک در آستانه یکی از بزرگترین تحولات اجتماعی- اقتصادی خود و دولت آقای مهدوی کنی در برابر یکی از حساسترین مسئولیت های اجرایی خود قرار دارد.

"اتحاد مردم" در دو شماره متوالی جوانب مختلف این مسئله حیاتی را به خوانندگان محترم عرضه می دارد.

بقیه در صفحه ۸

نشست مین سالگشت شهادت شیخ محمد خیابانی



صفحه ۲

ضرورت جذب متخصصان مؤمن به انقلاب و دفع عناصر ضد انقلاب

گری انقلاب است، که یگانه وظیفه آن احیاء و انهدام قوانین، مقررات نهادها و کل دستگاه جابر نظام کهنه است. در دوران سازندگی، باید به جای هر خشک کج نظام میرنده، قطعه ای از خارا بر جان نهاد، تا نظام نوین انقلابی از آغاز بر شالوده محکمی بی ریزی شود و بتواند در خدمت محرومان و زحمتکشان جامعه قرار گیرد.

برای بی ریزی چنین شالوده محکمی بقیه در صفحه ۱۱

انقلاب برای آنکه بتواند سرانجام بسود مردم محروم، گام های عملی بردارد و توده های میلیونی مردم زحمتکش را از اعماق فقر و تباهی که ارنیه شوم امپریالیسم و نظام منفور سلطنتی است، برهانند و به آنان زندگی شایسته انسانی عرضه کند، باید هر چه زودتر به دوران سازندگی گام گذارد.

مرحله سازندگی، چنانکه بدیهی است، دشوارتر، بفرنج تر و طولانی تر از دوران ویران-

برای پایان دادن به طرح مجتمع پتروشیمی در بندر امام خمینی:

امپریالیستهای ژاپن سه سال است ایران را سر می دو اند!

وقتی ژاپنی ها دست از کار کشیدند، دولت موقت سعی کرد موافقت آنها را برای پایان دادن طرح، البته با همان شرایط زمان طاغوت، جلب کند. امپریالیستهای ژاپنی که تصمیم داشتند، به تبعیت از امپریالیسم آمریکا، تا حد ممکن در ایران کار شکنی کنند، بازی موش و گربه را آغاز کردند. بعد از نزدیک به یک سال مذاکره، هیئت نمایندگی ایران، که برای مذاکره به ژاپن رفته بود، اعلام کرد که دولت ژاپن حاضر به پایان طرح است، اما کمپانی طرف قرارداد حاضر به انجام کار نیست. اروشن بود که جدا کردن دولت امپریالیستی ژاپن از یکی از کمپانی های که در واقع دولت اصلی هستند، حیل امپریالیست-

امپریالیسم ژاپن، بعد از دو سال ونیم، همچنان برای اتمام تاسیسات ناتمام مجتمع پتروشیمی در بندر امام خمینی (شاهپور سابق) ایران را سر می دو اند! ساختمان این مجتمع، که یکی از مجموعه های بزرگ صنعتی ایران است و می تواند تعداد زیادی کارگر را از بیکاری نجات دهد، در سال ۱۳۵۵ (زمان طاغوت) آغاز شد. شرکت ژاپنی میتسویی، که ساختمان این مجتمع را بر عهده داشت و از قبل آن مبالغ کلانسی از ثروت خلق های ایران را غارت می کرد، با پیروزی انقلاب ایران دست از کار کشید. در این هنگام تنها ۱۵ درصد طرح باقیمانده بود.

های ژاپن است! اما دولت موقت، که به کرامات "جهان دوم" دلخوش کرده بود، بعد از مدتی مذاکره، سرانجام کار را به این جارسانده طرح: "در اکتبر سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) بصورت یک طرح ملی ژاپن با شرکت دولت این کشور درآمد (صبح زادگان - ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ - به نقل از روزنامه ژاپنی تاساه) اما طولی نکشید که معلوم شد دولت ژاپن هم قصد ندارد طرح را به پایان برساند.

بقیه در صفحه ۱۱

احزاب، جمعیتها، گروه ها...

پیام مشترك

سازمان جوانان توده ایران و

سازمان دانش آموزان پیشگام

ایران بمناسبت آغاز

سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰

صفحه ۶

برای پیروزی نهائی...

نوباوه شهید محمدحسین فهمیده



به قیام زدگی، غرب کشور را اشغال خواهند کرد، سپس این قطعه اشغال شده را به کردستان خواهند پیوست و سرانجام "ایران آزاد" را تشکیل خواهند داد. امپریالیست‌های آمریکائی، که در مشورت با جلادان ابله‌ی جون پالیزیان، آرپاناو اویسی، به این نتیجه رسیده بودند که بعثت در هم پاشیدگی نیروهای مسلح ایران خواهند توانست نقشه خود را بر سرعت برق اجرا کنند، حتی کابینه ضدانقلاب را به نخست وزیر بختیار فراری به نزدیکی مرز ایران آورده بودند. سکوت دولت موقت هم، که می دانست رژیم صدام در مرزهای دو کشور نیرو متمرکز کرده و به اعتراف دکتر بسزنی، حتی مطمئن بوده که حمله عراق به ایران ناگزیر است، به امپریالیست‌ها فرصت کافی داده بود. آنها روی مهره‌های خود در ارتش - امثال باقری‌ها، که بعداً در استان رودس - نیز حساب می کردند. در واقع، امپریالیست‌های آمریکائی همه چیز را درست ارزیابی کرده بودند، بجز یک چیز، که همیشه پوزه آنها را به خاک می مالد: قدرت توده‌ها!

امپریالیست‌های آمریکا نتوانسته بودند بفهمند که توده‌های خلق، زیر رهبری امام خمینی، متشکل و یک پارچه آماده دفاع از میهن انقلابی خود هستند. تنها حضور شگفت آور و تحسین برانگیز توده‌ها در جبهه‌ها بود که واقعیت سهمگین را به آنها نشان داد. طی دوروز اول نیروهای دشمن، با استفاده از غافلگیری نیروهای مسلح ما و عدم حضور توده‌ها پیش آمدند، اما، همینکه سیل خروشان توده‌های قهرمان، پاسداران دلاور و ارتشیان دلیر به جبهه‌ها رسیدند، تفود بردشمن سست شد. مردم دلاور ایران، قبل از آنکه سلاح‌های سنگین و مدرن، که توسط لبرال‌ها و ضدانقلابیون مخفی با نادیده گرفته شده بود، به میدان آورده شود، با سلاح سبک و تنها با تبار جان خویش راه را بردشمن گرفتند و متوقفش کردند. و این تنها مردم قهرمان ما در صف مقدم جبهه نبودند که به دشمن فرمان "ایست!" می دادند. در ظرف چند روز سراسر ایران به جبهه و سنگر تبدیل شد. توده‌های خلق با تبار جان و مال خود در جبهه و پشت جبهه راه پیروزی را هموار کردند. جندان طول نکشید که بر طراحان و مجریان تجاوز هم آشکار شد که با شکست رسوای سیاسی روبرو شده‌اند. از آن پس تلاش خلق برای کسب پیروزی نظامی آغاز شد. با همه کارشکنی‌های خارجی‌های بنی‌صدر و اعوان و انصار لبرالی، کاریسواندن دشمن، گاه‌خانه به‌خانه و جیب به جیب، آغاز گردید و گسترش یافت و پیش رفت. این تلاش قهرمانانه، که به رغم اخلاگری‌ها و خرابکاری‌های ضدانقلاب

داخلی ادامه دارد، اکنون وارد دومین سال خود می شود. توده‌های خلق اکنون هم مانند یکسال گذشته، آماده پیکار و فداکاری در جبهه و پشت جبهه هستند. هدف آنها روشن است. پیروزی نهائی بر دشمن متجاوز و پاک کردن میهن انقلابی از لوث متجاوزان. این پیروزی، که به معنای شکست توطئه دیگری از سلسله توطئه‌های امپریالیسم جنایتکار جهانی سرکردگی آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، مهمترین بازتاب را در سیاست کشور و خاورمیانه خواهد داشت. نبرد در این جبهه، که هنوز جبهه اصلی در نبرد با دشمن اصلی - آمریکا است، برای هرایرانی مقدس‌ترین وظیفه است. و اما پیروزی نهائی قطعی است. اگر تمام خلق، مجهزتر و متحدتر از گذشته، به مقابله با تجاوزگران بپردازد، اگر تمام نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، متحد شوند و نیروی متحد خود را در خدمت خلق و انقلاب قرار دهند.

این تجهیز و اتحاد، اگر تحقق پذیرد، وسعت باید و تحکیم شود، خواهد توانست نه تنها جنگ عادلانه بر ضد تجاوزگران صدامی راه پیروزی نهائی برساند، بلکه همه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و متحدان و عمالش را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با شکست روبرو سازد. و سرانجام این تجهیز و اتحاد، اگر تحقق پذیرد، وسعت باید و تحکیم شود، خواهد توانست روند طولانی و بی‌غرنج سازندگی را نیز به پیروزی برساند.

تمام نیروی خود را برای این تجهیز و اتحاد یکبار بریم!

دروع بزرگ که اتحاد شوروی حامی انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران نیست که سهل است، دشمن آن است و حتی دشمنی بدتر از آمریکا!

مهندس بازرگان این خط سیاسی را در این جمله ریخت که: اگر، به گفته امام، "شیطان کبیر است، مارکسیسم دشمن اکبر است!" در ضمن "استدلال" هم می کردند که چون ابر قدرت شوروی ملحد است و ابر قدرت آمریکا "موحد"، بنابراین باید با این "موحد" ساخت و علیه آن "ملحد" رزمید!

بنی صدر، که این خط "عربان" آمریکائی را ناکام دید، تئوری مائوئیستی "سه جهان" را برای رسیدن به همان مقصود به میان کشید، که طبق آن باید با کشورهای اروپائی غربی همکاری کرد و با "دوا بر قدرت" روبرو شد. بنی صدر می خواست آمریکا را از راه اروپای غربی به ایران بازگرداند و برای این کار - همان طور که در مجلس شورای اسلامی، به هنگام بررسی "عدم کفایت سیاسی" بنی صدر، بویژه از طرف آقای خوئینی ها توضیح داده شد - بنی صدر کوشید، با طرح انواع مسائل ساختگی و پیش کشیدن "روسیه"، آمریکا را به بی‌توجه فراموشی اندازد.

سقوط بنی صدر، شکست مجدد و

در شهریور ماه، شصت سال از شهادت یکی از برجسته ترین چهره های تاریخ مبارزات خلق های ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه استقلال آزادی و عدالت اجتماعی گذشت. فرزند رشید آذربایجان، ادامه دهنده راه پرافتخار ستارخان، روحانی عالی قدر شیخ محمد خیابانی، در اوج درخشندگی دموکراسی انقلابی اش، بدست تبهکارترین عمال امپریالیسم و عناصر ضد انقلابی، کارگردانان رژیم فاسد شاهنشاهی، در شهر تبریز به شهادت رسید.

درباره شرح زندگی فعالیت سیاسی، اجتماعی و انقلابی این رادمرد بزرگ کم نوشتند. سراسر زندگی او نمونه چشمگیری از رشد پیگیری روحانی اندیشمند و دموکراتی است که، از عنفوان جوانی با عزمی را سخ کم خد مت به خلق و به استقلال و آزادی وطن بست، از هیچ دشواری در این راه نهراسید، در سنگر مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و ارتجاع، که پس از شکست انقلاب مشروطیت (۱۲۸۷ - ۱۲۸۴) و پایان جنگ اول جهانی (۱۲۹۷ - ۱۲۹۳) وسعت و شدت می یافت، تا پای جان ایستاد.

همکاری نزدیک خیابانی با فراکسیون حزب دموکرات در مجلس دوم ایستادگی مردانسه او در اوایل و پسین روزهای حیات آن مجلس در مقابل اولتیماتوم رسمی و فشار سیاسی و نظامی تزاریسم روسیه و امپریالیسم انگلستان، سخنرانیهای تشین، مستدل و افشاکند ما ش در جلسات مجلس (آذر ماه ۱۲۹۰) و پس از انحلال مجلس، در سیزه میدان تهران - همه وهمه نشانم های بارز صداقت خلل ناپذیر یک روحانی مترقی و دموکرات در خدمت به خلق و میهن خود بود.

پس از شکست انقلاب مشروطیت و انحلال مجلس دوم، خیابانی به روسیه (پدرش حاج عبدالحمید در پتروفسکی آن زمان و مخاچ قلعه کنونی، پایتخت جمهوری خود مختار شوروی سوسیالیستی داغستان، از سالها پیش به تجارت اشتغال داشت) مسافرت کرد. در آن سرزمین خیابانی با جنبش کارگری و اندیشه های سوسیال دموکراسی انقلابی آشنا شد. پس از مراجعت به میهن در دوران پس از سقوط تزاریسم روسیه در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ - ۱۹۱۵ که انقلابیون مهاجر ایرانی (اجتماعیون عامیون) حزب "عدالت"، راداران کشور تشکیل دادند، خیابانی در تبریز به احیای سازمان های حزب دموکرات پرداخت. در اردیبهشت ۱۲۹۶ روزنامه "تجدد"، ارگان دموکرات های آذربایجان شروع به انتشار کرد. اولین مقاله های خیابانی زیر عنوان "نور حقیقت خواهد تابید"، "حقیقت را

سخت ترین "خط" بود، که امام خمینی آنرا، بزبانی ساده و کوتاه، ولی پرمضمون و افشاگر، چنین توضیح دادند: "خط (لبرالها) این بود که آمریکا (فراموش) بشود... شوروی را مطرح می کردند، تا آمریکا منسی بشود... خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود... با رای مجلس به "عدم کفایت سیاسی" بنی صدر و پایان جلسه آن با سه بار فریاد "مرگ بر آمریکا"، ناقوس شکست خط آمریکایی لبرالها نواخته شد، و بانگ رسای آن در سراسر کشور پیچید.

ولی شکست خط لبرالها به معنای پایان مقاومت این خط نیست. تکه پارچه های این خط، همان قطعات هزار پایی که در تلاش جان گرفتن مجدداست، سر سخنانه و مایوسانه، مقاومت می کند. شعار "مرگ بر شوروی"، که شکسته بسته گاهی بگوش می رسد، و نوشته هایی نظیر نوشته های روزنامه "احزاب"، نمایانگر این مقاومت مایوسانه و سر سخنانه است. تا اینجا، همه چیز طبیعی است. تا کلان سرمایه داری وابسته و متحد "شرمگین" آن، یعنی سرمایه داری

شصتمین سالگشت شهادت شیخ محمد خیابانی

ایرانی را تغییر بدهد، می خواهد وضع یک ناهمواری را، که از دیر باز در مملکت تاسیس گردید و به رغم انقلابات تاکنون دوام داشته است، از میان بردارد و به جای آن یک رژیم معاصر، جدید و مدرن را بر پا سازد که هنوز ایران یک ساعت در تحت چنان رژیم منظم و آزادی به سر نبرده است.

و امپریالیسم و ارتجاع ایران، از نخست وزیر وثوق الدوله گرفتار تا لبرالی چون حاج مخبر السلطنه هدایت قاتل خیابانی، درست همین رژیم معاصر، رژیم منظم و آزاد را نمی خواستند. که در ایران مستقر شود. کمتر گفته و نوشته ای از خیابانی میتوان یافت که از روح وطن خواهی مردم دوستی، استقلال طلبی، آزادی خواهی و دمکراسی به معنای واقعی آن سرشار نباشد. در سخنرانی مورخه ۱۹ تیر ماه خود، خیابانی تاکید کرد که "فکر اساسی ما آزادی و استقلال است" و برای نمونه متذکر شد که، از "اصول کفدراسیون" می توان استفاده کرد. خیابانی می گفت:

بر طبق اصول کفدراسیون به همه ملل صغیره و روسیه آزادی و خود مختاری داده شده است.

دوماه ونیم پس از برقراری حکومت شوروی در باکو، پایتخت آذربایجان شوروی (۸ اردیبهشت ۱۲۹۹) خیابانی در نطق خود (۲۶ خرداد) به تفصیل یک حکومت باید مال، یعنی حکومت مطابق آمال مردم را توضیح داد و ضمن آن رویداد بزرگ تاریخی اشاره کرد و گفت:

"ما در زمانی زیست می کنیم که کوچکترین ملت ها مستند به حق خود استقلال و آزادی می یابند و خیلی مسروریم از مشاهده این که یک عده از ملل مجاور سرحدات ما به این موفقیت نائل می شوند" دشمنان سوگند خورده استقلال،

آزادی و رفاه مردم زحمتکش ایران، در آن زمان هم مانند امروز، به گفته رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی، شوروی را مطرح می کردند تا امپریالیسم منسی شود. قاتل خیابانی، مخبر السلطنه هدایت، در کتاب خود زیر عنوان "خاطرات و خطرات" سالها پس از شهادت آن رادمرد بزرگ روحانی عالی قدر و دمکرات انقلابی، با وقاحت اتهام "تجزیه طلبی" را در حق خیابانی و همزمان دمکرات و تکرار می کند اما شادروان خیابانی هم آمال و آرزوهای والایش با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران به تحقق پیوسته و می پیوندند، وهم نام نیکش زینت بخش صفحات زرین تاریخ مبارزات پرافتخار همه مردم ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه همگانی گردیده است.

لبرال ایران باقی است، این مقاومت هم باقی خواهد بود.

اما تعجب و تأسف اینجاست که در گفتار برخی مسئولان و در نوشته های بعضی روزنامه ها، که پیرو "خط امام" هستند نیز رسوب یا رسوخ این خط هنوز مشاهده می شود. یک جادر مقاله ای می خوانیم که ضمن بحث درباره انتخابات، "اثبات" می کند که در این دنیا هیچ کشور مستقلی یافت نمی شود، از جمله لیبی، (که صریحا نام می برد) و این خود برداشتی نظیر دعوی مبتدل و مغرضانه بنی صدر است.

جای دیگر در روزنامه کاریکاتوری را مشاهده می کنیم که بنی صدر را با تاج سلطنتی بر سر نشان می دهد که جقه آن داس و چکش است! یعنی مثلا بنی صدری که ورد فحش به "روس" و "روسیه" از زبانش نمی افتاد، سلطنت طلبی است مورد حمایت یا ساخته "روسیه" (جای دیگر مثلا عکسی از ویرانه های آبادان در روزنامه ای کلیشه می شود که بروی آن تابلویی نصب شده است: "اینجا خرابی های کاخ کرملین است...") اگر این "قطعات" را کنار هم

بگذاریم، "خط" حاصل می شود: بالی بی و دیگر کشورهای مستقل رزمنده بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم همکاری نکنید، چون مستقل نیستند و وابسته به روسیه هستند! بنی صدر را در خط آمریکا قرار ندهید، او سلطنت طلب "روسی" است! صدام و نتاجش را آمریکا بی ندانند، او را "روسی" بنامید و نتاجش را "روسی" بدانید!

رسوبات بازمانده از خط آمریکایی - لبرالی باید از گفتار و نوشتار افراد و گروه هایی که خود را در "خط امام" می دانند، زدوده شود. مسئولان روزنامه ها یا کسانی که پیرو "خط امام" اند، باید از رسوخ بازمانده های خط لبرالی ها جلو گیرند. این وظیفه انقلابی را باید اکیدا در نظر داشت و دقیقاً اجرا نمود. خط آمریکا یسی لبرالها (همان خط برزیسکی) که سعی داشته، سعی دارد، سعی خواهد داشت، دشمن موهوری از شوروی برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بتراشد، دوستان رادشمن و دشمنان را دوست قلمداد کند، تا بتواند از پشت خنجر بزند، پایداز بیخ و بن ریشه کن شود، تا نفس آمریکا بریده شود.

کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۱۱) قسمت آخر

شکست توطئه فراندوم و فرار بنی صدر

اشاره

خواننده هارجمند! در این شماره کارنامه ننگین ابوالحسن بنی صدر را فرو می بندیم و او را در اعماق زباله دان تاریخ وامی نهیم. در ۱۱ شماره ای که از نظران گذشت، ما کوشیدیم مجموعه نظریات و عملیات فردی را که بر امواج خون توده ها به قدرت رسید و با غصب اولین کرسی ریاست جمهوری اسلامی ایران، بر آن بود، تا نظام منقور شاهنشاهی را در جامه دیگری زنده کند، جمع بندی و ارزیابی کنیم.

اکنون که قسمت آخر کارنامه سراپا خیانت بنی صدر به انقلاب ایران را می خوانید، جبهه متحد ضد انقلاب، توطئه وسیع و تازه ای را علیه انقلاب تدارک می بیند. به همین زودی بنی صدر - چنانکه رسم تاریخ است - به گله سگان دست آموز امپریالیسم پیوسته است و در ازای پارتی علیه انقلاب، نوالهای از دست ارباب می گیرد. اما خط بنی صدر، که یکی از خطرناک ترین سیاست های امپریالیسم، یعنی سرکشی از درون ناپندگی می کرد، هنوز زنده است و هنوز به شکل ها و رنگ های دیگر در کارنیرنگ است.

فراموش کردن امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، تبلیغ خطر موهوم کمونیسم و شوروی، تفرقه افکنی بین نیروهای انقلابی، تبلیغ نظریه "سه جهان" و مبارزه پیگیر و کینه توزانه علیه نیروهای راستین پیرو سوسیالیسم علمی زیرنقاب اسلام، که رئوس "سیاست بنی صدر" را تشکیل می دهد، اکنون به شکل های دیگر و گاه به همان اشکال زنده است و همان هدف بنی صدر را دنبال میکند: نابودی انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران! هشیار باشیم و بایندگیری از تجربه تلخ و خطرناک بنی صدر، توطئه های نظیر او را افشا کنیم و در شکنیم.

گفتیم که وظیفه بنی صدر بسون تزریق بحران به جامعه و تشدید آن بود و در برهه های از زمان، برای اینکه این بحران از هر چه که هست بیشتر بنماید، جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر، علم آزادی مطبوعات را بالا برد. بخصوص آنکه روزنامه پیروان "خط برزیسکی" یعنی میزان "هم روز ۱۸ فروردین سال ۶۰ توقیف شد:

... خفقان مطبوعات مقدمه استقرار استبداد است... (۱۹ فروردین ۶۰ - انقلاب اسلامی - بنی صدر)
بنی صدر در مخالفت با توقیف "میزان" و دستگیری رضاصدر مدیر مسئول آن، آشکارا به میدان آمد:

... کسی راهم برای افترا زدن نمی کند. اگر اینطور بود که باید تا الان همه را توقیف کرده باشند. در این دو سال اینقدر افشاگری همه راجع به هم کرده اند که باید تمام زندان ها از افشاگرها پر شده باشد و کسی بیرون نمانده باشد... (۲۳ فروردین ۶۰ - انقلاب اسلامی)

و هماینها، همزمان بود با دعوت مهندس بازرگان از مردم ایران برای "حمایت از آزادی مطبوعات" (۲۴ فروردین ۶۰ - انقلاب اسلامی) و جمع آوری وثیقه برای آزادی رضا صدر، که ابوالحسن بنی صدر هم مبلغ ۱۰۰۰ تومان، به حسابی که برای اینکار افتتاح شده بود، واریز کرد. و با زهم سرمقاله نویسنده شاعر پیشه "انقلاب اسلامی" که:

"ای مردم آزاده کجائید، کجائید آزادگی افسرد بیائید، بیائید..." (۱۹ فروردین ۶۰)
صدای آزاد اویسی "هم همین را می گفت:

"حکومت تهران در پی تعطیل روزنامه میزان متعلق به مهدی بازرگان و بازداشت رضاصدر مدبر روزنامه می رود تا اختناق و سانسور کامل را برقرار کند..." (۱۹ فروردین ۶۰)

دوست آن باشد که گیرد دست دوست...! جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر آنگاه به طرح "مسئله شکنجه پرداخت و کوشید تا به این ترتیب جنجال دیگری به پا

دارد:

"... مطلب دیگر هفته موضوع شکنجه بود... (۱۹ اردیبهشت ۶۰ - انقلاب اسلامی کارنامه بنی صدر)

"رنجبر هم به کمک آمد:

"... مردم ماقیام کردند تا به استبداد سلطنتی و فاشیسم خودکامه ساواک خاتمه دهند اما امروز... با انواع زندان و انواع شکنجه ها روبرو هستند... (رنجبر - شماره ۱۴۷)

والیته جلاد اویسی هم در این بازی آمریکا ساخته نقش خود را فراموش نمی کرد:

"... رژیم خفقان زای خمینی علاوه بر شکنجه و کشتن قلم ها... به شکنجه و کشتن نویسندگان نیز پرداخته است... (۲۵ اسفند ۵۹ - صدای آزاد)

ایجاد تشنج

همزمان با طرح مسائل فوق و نکات مشابه اعضای جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر به یک "سلسله عملیات فیزیکی تشنج" آمیز در نقاط مختلف کشور دست زدند، عملیاتی که "سپهسالار بنی صدر"، نیز مستقیم یا از طریق ارگان خود، روزنامه "انقلاب اسلامی" آن ها را به سود خود تعبیر و تفسیر و تائید می کرد، اقدامات ضد انقلابی که به دنبال ارائه طرح تعیین سرپرستی وزارت خانه های بی وزیر به مجلس شورای اسلامی، بیش از پیش بالا گرفت بنی صدر ابتدا تهدید کرده که:

"... این امر (دادن طرح مزبور) علاوه بر خطرهای دیگر، میزان را که رای ملت است بی اعتبار می سازد و خطر را متوجه اساس جمهوری می گرداند... (۱۹ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

و چون این تهدید به نتیجه نرسید، جو سازی ضد انقلابیون از این جا وارد مرحله جدید تری شد. فراکسیون لیبرال ها و مائوئیست های مسلمان نما در مجلس، روز ۱۹ اسفند ۵۹، با

خروج از مجلس جلسه را از رسمیت انداختند، روزنامه "انقلاب اسلامی" روز ۲۱ اسفند ۵۹ اعلام کرد که:

"... می خواهند کاری کنند که حکومت شورای سنفردی آقایان بهشتی، رجائی و هاشمی رفسنجانی برقرار شود..."

روز ۲۳ اسفند ۵۹ هم بنی صدر از "آیت - الله بهشتی، محمد علی رجائی و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی برای مناظره دعوت به عمل آورد و همان روز، روزنامه "انقلاب اسلامی"، در سرمقاله ای تحت عنوان "در ره جانانه"، نوشت:

"... بر سر زار دیوانسالاری، پس از پیروزی انقلاب کدامین ابررحمت باریده است که سیل خروشان تحرک و سازندگی را انتظار می کشید، و بر تاریکی جهل و یاس سیران این بند گران کدامین برق امید نا بیده است که روشنائی ایمان و گرمای زندگی انقلابی را توقع دارید..."

۱۷ اسفند ۵۹، "مجاهدین خلق"، به کمک گروهک های مائوئیستی - آمریکائی و با حمایت ضد انقلابیون، لاهیجان را به آتش گشادند.

۲۵ اسفند ۵۹، توطئه عوامل ضد انقلاب در شادگان برای به تعطیل کشیدن مدارس افشاد شد در این توطئه "مجاهدین خلق" و لیبرال ها هم دوشادوش شرکت داشتند.

در آخرین روزهای سال ۵۹ بنی صدر عباس شاهد درگیری ها و آشوب های تازه ای بود. در این آشوب ها نیز "مجاهدین خلق" شرکت داشتند.

۹ فروردین سال ۶۰ "مجاهدین و پیکاری" ها قزوین را به تشنج کشاندند. ۲۹ فروردین ۶۰ ضد انقلابیون و "مجاهدین" در بروجرد زمینه بر خورد های فیزیکی را فراهم آوردند. ۲۴ اسفند ۵۹ به سرکردگی عوامل ضد انقلاب در خدابنده و ازنا تظاهراتی، ظاهره بهانه "پشتیبانی از بنی صدر، برگزار شد. روز ۲۵ اسفند بازاریان، اصناف و پیشه وران تهران (وابسته به "جبهه ملی" اعلام کردند که قصد تعطیل بازار را دارند.

و سرانجام روزنامه "انقلاب اسلامی"، بنی صدر نامه، که زمینه را برای طرح مسئله فراندوم آماده می دید، نوشت:

"... باید بگوئیم و به اصرار و تاکید بسیار که میزان رای ملت است، اجازه دهیم ملت نظر خود را ابراز کند... اگر نه بحران، بحران بغایت

خطیری خواهد بود... (۲۳ اسفند ۵۹) و کلام آخر هم از خود بنی صدر که:

"... این جمهوری، جمهوری نیست که من فخر کنم رئیس آن باشم... (۲۰ اسفند - انقلاب اسلامی کارنامه بنی صدر)

و این کلام همراه بود با تیر تیر زگی از قول سخنگوی دولت که:

"... هر وقت مردم ما را خواستند می - رویم... (همان جا)

البته به زعم آقایان مردم این دولت را نمی خواستند، ولذا آنهاییکه تا میدان بودند، پس وقت آن بود که رژیم حاکم را سرنگون کنند.

دعوت به قیام

در این شرایط که جو بسیار آشفته ای بر مملکت حاکم بود و این جو خطرات جدی برای انقلاب در برداشت، از جانب امام خمینی سخنرانی مسئولان درجه اول مملکت ممنوع و هیئتیی به منظور رسیدگی به اختلافات سران درجه اول کشور تشکیل شد. لیکن ضد انقلابیون، به رهبری بنی صدر، برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی



"... با تشکل توده ها و اتحاد نیروهای هوادار، نیروی انقلابی توده ها را از قوه به فعل در آوریم، مستبدین و انقیاد طلبان را از سر راه برداریم... (رنجبر، ۱۵۴)

و البته بنی صدر هم، که رهبر و سخنگوی جبهه ضد انقلاب و براندازی بود، نمی توانست کمتر از این ها بخواهد:

"... مثل آن بیماری ناشیم که معالجه را آنقدر به تاخیر می اندازیم که وقتی به سرفوت طبیب می رویم کاری از او ساخته نباشد... حالا هم اگر به موقع عمل نکنیم، فردا بسیار دیر خواهد بود... (۱۱ فروردین ۶۰ - انقلاب اسلامی - کارنامه بنی صدر)

و این "عمل" در آن شرایط چیزی نبود غیر از "فراندوم" امپریالیسم که فکری کرد، بنی صدر در فراندوم رای می آورد، به گمان خود بهترین راه را پیدا کرده بود: سرنگونی جمهوری اسلامی ایران از طریق ظاهره قانونی به نظر بنی صدر هم شرایط برای این کار مساعد بود.

به همین جهت ابوالحسن بنی صدر، از اوایل فروردین ماه سال ۱۳۶۰، به طور آشکارتری به مخالف خوانی پرداخت و به رغم دستور صریح امام خمینی در بیانیه ۲۶ اسفند ۵۹، مبنی بر منع سخنرانی مقامات درجه اول، در جمع خانواده شهدای نیروی هوایی در شیراز سخن رانی تحریک آمیزی کرد، که می توان آن را شلیک تهر برای دور آخر مسابقه خواند.

بنی صدر آنگاه، روز ۱۵ فروردین ۶۰، با شرکت در سمیناری که توسط "دفتر هماهنگی" ترتیب یافته بود، "ضمن اشاره به برخی مسائل روز در مورد تبدیل یک انقلاب به ضد انقلاب... برای حاضرین سخن گفت... (انقلاب اسلامی)

و بعد هم اعلام کرد که: "... ایران در لحظاتی است که تصمیم نسل جوان امروز و ایستادگی و استقامت می تواند اسباب نجات کشور... را فراهم آورد... (همان جا)

در روز ۲۹ فروردین ۶۰ عوامل ضد انقلاب به منظور اجرای دستورات "سپهسالار بنی صدر" مبنی بر استقامت (!) چند کتاب فروشی را در قزوین به آتش کشیدند و چند روز بعد (۱۵ اردیبهشت ۶۰) "مجاهدین" یا ایجاد درگیری گسترده ای، قائم شهر را متشنج ساختند. ۷ اردیبهشت ۶۰ اصفهان متشنج شد و واردی - بهشت ۶۰ مائوئیست های آمریکائی "رنجبران" و "پیکار" و سایر عناصر ضد انقلابی، سه کمک "مجاهدین" تهران را به تشنج کشاندند. البته مائوئیست های آمریکائی که در همه جبهه های ضد انقلابی فعالانه شرکت داشتند و دارند، در همین روز با جمع کردن گروه معدودی به عنوان "مجاهد افغانی" در گوشه دیگری از تهران دست به راه پیمائی زدند، و سپهسالار بنی صدر هم، که عاشق قانون و آزادی (!) بود، در برابر این اعمال ضد انقلابی "لال بودن" را در پیش گرفت.

بنی صدر دیگر "پیامبر" ضد انقلابیون شده بود.

"... کار اساسی پیامبران آگاه کردن مردم از وضعیتی که در آن هستند و بیرون بردن آنها از آن وضعیت به یک وضعیت بهتر و شکستن سانسور های مختلف... است... (۱۵ فروردین ۶۰ - انقلاب اسلامی)

و بعد هم رویارویی صریح با امام خمینی رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران:

"... هر وقت که ما بخواهیم بایستیم و بررسیم چرا این کارها شده، می گویند اختلاف شد و عده ای می آیند و میانه را می گیرند... (۱۷ فروردین ۶۰ - انقلاب اسلامی - کارنامه بنی صدر)

در کنار اجرای این ماموریت ضد انقلابی، تقلید خنده داری از اعتصاب غذای مبارزان ایرلندی توسط اعضای "دفتر هماهنگی" هم - کاری های مردم با رئیس جمهور "هم در شهرهای مختلف شروع شد.

روز ۳۱ فروردین سال ۶۰، ابوالحسن بنی صدر، به منظور هماهنگ کردن مجموعه بقیه در صفحه ۱۰

ایران و مسخ انقلاب شکوهمند مردم ما، دورخیز کرده بودند و منع سخنرانی نمی توانست مانع فعالیت آنان شود. آنان، از بنی صدر گرفته تا بختیار و اویسی و آریانا و "رنجبری" ها و... در توطئه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران در قول و نظر اتفاق داشتند:

"... بیاخیزید و طومار ایسن رژیم (جمهوری اسلامی ایران) را دزیم نوردید و نابود کنید... (۲۶ اردیبهشت ۶۰ - صدای آزاد اویسی)

"... از کلیه کارکنان ناراضی دولت در سراسر کشور دعوت می کنیم که... به تشکیل... کمیته ها (براندازی) مبادرت کنند... (۱۲ اسفند ۵۹ - صدای آزاد اویسی)

صدای بختیار و افوری هم همین بود: "... آریاناها و جم ها باید بدانند که اگر با هم متحد شوند و با جناح بختیار ائتلاف کنند ما... زودتر می توانیم پایه خاک وطن بگذاریم... (۲۲ دی ماه ۵۹ - رادیو بختیار)

گروهک آمریکائی - چینی "رنجبران" نیز خیابان ها را برای بازگشت زودتر آریاناها و اویسی ها آب و جارو می کرد:

در کنار اجرای این ماموریت ضد انقلابی، تقلید خنده داری از اعتصاب غذای مبارزان ایرلندی توسط اعضای "دفتر هماهنگی" هم - کاری های مردم با رئیس جمهور "هم در شهرهای مختلف شروع شد.

روز ۳۱ فروردین سال ۶۰، ابوالحسن بنی صدر، به منظور هماهنگ کردن مجموعه بقیه در صفحه ۱۰

روز ۳۱ فروردین سال ۶۰، ابوالحسن بنی صدر، به منظور هماهنگ کردن مجموعه بقیه در صفحه ۱۰

روز ۳۱ فروردین سال ۶۰، ابوالحسن بنی صدر، به منظور هماهنگ کردن مجموعه بقیه در صفحه ۱۰

روز ۳۱ فروردین سال ۶۰، ابوالحسن بنی صدر، به منظور هماهنگ کردن مجموعه بقیه در صفحه ۱۰

دیکتاتوری سادات موج خشم و ناخشنودی خلق مصر را برمی انگیزد

مصدر روزهای اخیر، با بیخاستن توده های مردم و شرکت آنها در نمایش های اعتراض آمیز خیابانی، شاهد گسترش موج سرکوب، خفقان و بازداشت های جمعی بود. مردم مصر، ناخشنودان سیاست ضد خلقی سادات، عروسک کارگزار امپریالیسم آمریکا، خواستار دگرگونی های بنیادی در سرپای نظام حاکم شدند.

رژیم سادات برای فرونشاندن جنبش نوخاسته مردم و حراست از منافع ارتجاع و امپریالیسم به واکنش پرداخت. بازداشت بی سابقه مخالفان همچنان دنبال می شود، بطوری که در چند روز نخست شدید سرکوب و خفقان، شمار بازداشت شدگان، بنا به اعتراف سادات، به ۱۵۰۰ نفر رسید. در بین بازداشت شدگان ۱۶ تن از رهبران بلند پایه احزاب مخالف و جنبش اسلامی نیرو وجود دارند. ۶ روزنامه توقیف و عده ای از روزنامه نگاران بازداشت گردیدند. سادات بیدرنگ در پارلمان مصر حضور یافت و طی یک سخنرانی سه ساعته، برای سرپوش نهادن بر سیاست ضد خلقی و حیانت تاریخی خود نسبت به آرمانهای اعراب (با سنس فراداد کمپ دیوید) برای ازبر صرب خارج کردن امپریالیسم آمریکا، اعتراضات دامگسرمردم را "کمکشی های مرفه ای مسلمان و مسیحیان" معرفی کرد، تا بدینوسیله سرست و محتوای این رویدادها را دگرگون جلوه دهد.

در این حال، حیرتگرای "ناس" در تفسیری درباره علل رویداد های اخیر مصر، به ارساط میان موج بازداشت های بی سابقه مخالفان در مصر و بارشانی فرایند نمود های مردم در قبال سیاست هواداری از امریکای رژیم سادات اشاره کرد.

"ناس" افزود که مخالفان رژیم در این جنگ صلیبی که علیه آنها آغاز شده است، تمایل دولت به صحرای کردن بوجه مردم از سکست های سیاسی و انداختن مسئولیت این سکست ها به دوش با اصطلاح عناصر خرابکار را می بینند.

شاید دقت است که بخاطر خلصت و محتوای ضد امپریالیستی، بویژه صد آمریکا، این رخدادها، دین فیسر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، ادعا کرد که دولت او در حال حاضر اطلاع دقیقی در این مورد (نظاهرات ضد امپریالیستی و صد آمریکایی و موج خشنونت و بازداشت) ندارد و آنرا "یک موضوع مربوط به اوضاع داخلی مصر" خواند. آیا براساس چنین است؟ بی شک نه.

رویدادهای اخیر، از ماهیت واقعی "دمکراسی راستین"، سیستم چند حزبی و سیاست درهای باز، سادات پرده برداشت. تا چند سال پیش، دستگاه های تبلیغاتی مصر، بازگشایی راه برای برابری نشستن "دمکراسی راستین" را بویید می دادند. آزادی برپایی احزاب سیاسی اعلام میشد، بر روی برد سپیناها، فیلمهایی به نمایش درمی آمد که تجاوزه حقوق بشر را محکوم می کرد و رعایت "حقوق بشر زائر سرزمین مصر امری گذشت ناپذیر می نمود. تلویزیون ها فیلمی را به نمایش می گذارند که در آن سادات کلنگ در دست، دیوار زندان را فرو می ریزد!

ولی دیگران نمایش مسخره پایان پذیرفته است. دودوده مردم فریبی به کنار رفته است و سیمای بلند سادات پدیدار می گردد. امروز پایمال ساختن حقوق و آزادی های دمکراتیک شهروندان مصری بپایده، نوپیدائی نیست. هر بانگ مخالف خفمی شود و شکجه گرانسی مانند کمال المبرسی، ساخته بنام "طارق"، در زندان های مصر بر یکدیگر بهترین فرزندان خلق مصر تازیانه می زند و زخم می نشاند. سال گذشته، مجلس قانون جا برانه ای را از تصویب گذراند که به "قانون تنگ" معروف شد. این قانون نظر به سرشت ضد انسانی و خشنونت آمیز خود، موجب روسبیدی قوانین استعماری است. تنها به بیان این مطلب بسنده می کنیم که بر مبنای این قانون، رژیم ضد خلقی سادات می تواند هر کس را، بخاطر شرکت جستن در یک اعتصاب، یا انتقاد کردن از سیاست دولت، به حبس دائم با اعمال شاقه محکوم سازد.

پایه های سیستم نیم بند چند حزبی، که در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷) در مصر برقرار گردید، در

در زیر ضربات سرکوب و سانسور فرو می ریزد. بازداشت ۱۶ تن از رهبران این احزاب و جمعیت ها در روزهای اخیر شاهد روشنگری بر این مدعا است. پیش از این نیز اعمال خشنونت و ایجاد محدودیت های گسترده علیه احزاب قانونی مخالف امری به دور از انتظار نبود. چنان که "الاهالی" ارگان جناح چپ حزب اتحاد ترقی خواه ملی به رهبری میهن دوست سرشناس، خالد محی الدین، که بطور رسمی در پارلمان نماینده دارد، پس از توقیف های بیپایی سرانجام بکلی تعطیل شد. در اوایل فروردین ماه ۱۳۵۹ (اواخر ماه مارس ۱۹۸۰) "سازمان امنیت مصر"، محی الدین، دبیر کل حزب اتحاد ترقی خواه ملی، را بمنظور بازجویی، به جرم انتشار خبری درباره رشد نهضت مخالفان در ارتش مصر در بولتن حزبی، احضار کرد. اقداماتی نیز علیه عضو دیگر هیئت دبیران حزب صورت گرفت.

در اوایل فروردین ماه ۱۳۵۹ (پایان ماه مارس ۱۹۸۰) بازداشت مخالفان گسترش یافت. تعداد یک شب ۷۰ تن، که ۴۲ تن از آنان از وابستگان به حزب اتحاد ترقی خواه ملی بودند، بازداشت شدند. این نخستین بار نبود که شخصیت های برجسته ای مانند ابو عز حسن الحریری، نماینده پیشین پارلمان، و محمد بوسفا الحدیدی، رئیس سابق انتشارات دارالتقافه الحدیده، در پشت میله های زندان قرار می گرفتند.

حزب سوسیالیستی کار هم، به منتهای یکی از احزاب مخالف، از جندی پیش با پیگرد فرایده دست به گریبان بود. روزنامه این حزب، الشعب، در مخالفت با سیاست رژیم سادات از جمله درباره حساسترین مسئله کشور، یعنی بند و بست "کمپ دیوید"، مقالاتی منتشر می کرد. مقامات حاکمه تا این زمان جرات نرا در خود نیافته بودند که این روزنامه را تعطیل کنند، ولی پس از اشکال تراشی های جدی در راه انتشار آزادانه آن از کسبو، و دام زدن به کارزار تهمت و افترا علیه رهبر حزب، ابراهیم شکر، و معاون او، حلمی مراد، از سوی دیگر، سرانجام به همراه پنج نشریه دیگر مصری در روزهای اخیر توقیف گردید.

از سرکوب آزادی های دمکراتیک که بگذریم، ریشه دیگر ناخشنودی توده های وسیع کارگران و زحمتکشان، احزاب، سازمانها و نیرو های آزادیخواه و مردمی، در سیاست اقتصادی هستی برپا داده "درهای باز" رژیم وابسته سادات نهفته است. سیاستی که در سایه شوم آن، دستاوردهای سترگ انقلاب ۱۳۳۱ (۱۹۵۲) به رهبری جمال عبدالناصر، راه فنا سپرد و فقر، گرسنگی و تیره روزی سهم زحمتکشان و ثروت نصیب کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران و شرکتهای چند ملیتی گردید.

سادات خائن، دگر بار نظام ینماگر سرمایه داری را در مصر جان بخشید، دروازه های اقتصاد کشور را به روی انحصارات امپریالیستی بویژه آمریکا، گشود و اقتصاد ناتوان مصر را در بحران زرفتری فروبرد. سرمایه های امپریالیستی غارت بی بند و بار منابع و نیروی انسانی مردم مصر را آزمندانانه آغاز کردند. در اینجا تنها به بیان عملکرد سرمایه های مالی امپریالیسم بسنده می کنیم:

در سالهای اخیر ۳۵ بانک آمریکایی و اروپای غربی با سرمایه های مختلف، شعبه های خود را در سراسر کشور گسترده اند. این بانکها با بکار انداختن سرمایه خود در رشته های گوناگون اقتصادی، نه تنها خود مستقیماً در غارت دسترنج مردم محروم مصر دست دارند، بلکه شبکه مطمئن فرار سرمایه های سرمایه داران مصری به خارج از کشور نیز هستند.

طبیعی است که این نحوه عملکرد اقتصادی دولت پاسخگوی نیازهای توده های مردم نیست، ولی سرچشمه درآمذافسی برای بوروکراتها و بورژوازی نوخاسته است. برای نمونه شرکت های ملی داروئی به شرکتهای خصوصی تبدیل شده اند و قیمت گذاری دلخواسته حق مسلم این شرکتهاست.

"سیاست درهای باز" چهره روستاها را نیز تغییر داده است. دیگر بار مناسبات واپس مانده پیش از انقلاب برقرار گشته است. سادات با اتخاذ "تدابیری تحت عنوان" از بند توقیف آزاد کردن "زمینها، اراضی متعلق به فقوئدالها را که رئیس جمهور فقید مصر، عبدالناصر صادره کرده بود، به آنها باز پس داد. پرداخت بهره مالکانه دوباره برقرار شد و برای آنکه پرداخت بهره مالکانه تضمین گردد، بنا بر آن شد که هر کس از پرداخت آن سر باز زد، از ده اخراج شود. جان کلام اینکه، اصلاحات ارضی مسخ گردید و قوانین مربوط به آن به دلخواه نادیده نگاشته شد.

استقرار سرمایه داری در روستاها، ناگزیر صف نیروها را از هم جدا کرد و در نتیجه تشدید تضاد طبقاتی، بر خورد های خونین بین کارگران کشاورزی و ملاکین بوجود آمد. پرواضح است که در چنین شرایطی، بارآوری کار کاهش می یابد.



چنانکه برای نمونه، تولید گندم بزرگت یک سوم احتیاجات مردم را بر آورده می سازد. کمبود آن هم از خارج تامین می شود. واردات مواد غذایی برای اقتصاد دور شکسته و بیمار مصر ۲ میلیارد دلار در سال یعنی ۷ برابر آخرین سال حکومت ناصر رسیده است. اکنون، کشاورزی مصر چنان ناتوان شده است که داد و برد کشاورزی مصری گوید که خود کفائی مواد غذایی در مصر کاری غیر ممکن است.

در حالیکه ۵٪ جمعیت ۳۰٪ کل درآمد سالیانه را در انحصار خود دارند. بیشتر سرمایه داران و ثروتمندان، با تلاش بسیار در جستجوی گریز برای نپرداختن مالیات هستند. به گفته وزیر امور مالی، در یازده ماه سال ۱۳۵۸، موسسات خصوصی ۷۳ میلیون لیره بعنوان مالیات پرداخته اند، و این در حالی است که کل مالیات دریافتی در سطح کشور به ۱/۸ میلیارد لیره می رسد. بنا بر این بار اصلی مالیات بر گردن کارگران و کارمندان است.

۴/۵ میلیون کارگر و کارمند بگونه های بی رحمانه در بخش خصوصی استثمار می شوند. حقوق دریافتی آنها در برابر ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار، تحت شرایط و قوانین دشوار و کم شکن، به سختی پاسخگوی نیازهای روز افزون آنهاست. تنها یک چهارم کارگران از بیمه های اجتماعی بهره مند می شوند. می توان گفت که تقریباً قانون کاری وجود ندارد. خون بهای کارگران از چند لیره و تجاوز می کند. درصد بیکاری وحشتناک است. تورم و ناپایداری قیمت ها، این بیماری کهنه نظام سرمایه داری از رهرو "سیاست درهای باز" مصری فروی غرب، کشور را فلج کرده است. در سال جاری نرخ بنزین، کود شیمیایی، نوشابه های الکلی، سیگار و بوق مصرفی افزایش چشمگیری

پیدا کرده است، ولی کمک دولت برای جلوگیری از افزایش بهای مواد اصلی غذایی مانند نان، نمک، شکر، و سبزیجات، نسبت به سال پیش، ۲۶۰ میلیون لیره کاسته شده است.

این همه بیانگر آنست که دولت یارای برون رفت از بن بست اقتصادی را ندارد. همانطور که "الشعب"، ارگان حزب ترقی خواه ملی مصر می نویسد: "این مشکلات اقتصادی نه تنها حل نمی شوند، بلکه هر روز پیچیده تر می گردند."

کمک های مالی و اقتصادی کشورهای بزرگ سرمایه داری، و در مقام نخست امپریالیسم آمریکا به مصر تنها وسیله مطمئنی برای استوار تر ساختن شالوده های وابستگی در کلیه عرصه های زندگی اجتماعی است. امپریالیسم آمریکا با کمک ۱/۵ میلیارد دلار در سال میخواهد در این منطقه حساس استراتژیک رژیم را با پیوستن سیاست های تجاوزه کارانه و غارتگرانه "واشنگتن برپا نگه دارد، امپریالیسم آمریکا برای ایجاد دپیوندهای گسسته ناپذیر میان مصر و اردوی سرمایه داری و بستن هر گونه راه بازگشت، بیشتر این کمکها را به بخش خصوصی اهدا می کند.

سیاست خیانت کارانه سادات در مورد امضاء قرارداد "کمپ دیوید" با اسرائیل و پیامد های آن، در عمل مصر را به مدار وابستگی به امپریالیسم آمریکا کشاند و آنرا به ژاندارم منطقه گسترده ای از قاره آفریقا تا خاور میانه، تبدیل کرد. بر اساس گزارش روزنامه "الاکسیر" اکنون مصر در کار خریداری ۴/۳ میلیارد دلار جنگ افزار تنها از امپریالیسم است.

همپای "عادی شدن" مناسبات میان مصر و اسرائیل، هر روز اسرائیل نقش چیره تری در زندگی اقتصادی مصر دست می آورد. رهبران صهیونیست اسرائیل، که عمر درازی برای رژیم سادات نمی بینند، از هر گونه امکان و فرصتی برای توسعه نفوذ اقتصادی خود در مصر بهره برداری می کنند و بجای اشغال نظامی مصر، این کشور را در اشغال اقتصادی خود در آورده اند. اینک اکثریت مردم مصر از سیاست های دولت، بویژه از سیاست به اصطلاح "عادی کردن" مناسبات مصر با اسرائیل، پشتیبانی نمی کنند. صحت این امر در هنگام دیدار رئیس جمهور اسرائیل، تیزاک ناووان، از مصر، در آبان ماه سال ۵۹ (ماه نوامبر ۸) بروشنی نمایان گردید. بیشتر برنامه دیدارهای تعیین شده، بخاطر تظاهرات توفنده و اعتراض آمیز مردم لغو شد. زمانیکه سادات تعهد داشت تا سیاست پولاد و آهن حلوان را به مهمان خود نشان دهد کارگران تهدید به اعتصاب کردند و سادات ناگزیر شد این دیدار را حذف کند. دیدار از تئاتر قاهره نیز بخاطر سرپیچی هنرمندان از اجرای برنامه در حضور ناوون انجام نگرفت. حتی اعضا حزب حاکم، حزب دمکراتیک ملی، نیز تهدید کردند که اگر رئیس جمهور اسرائیل بر پایه برنامه تعیین شده در پارلمان مصر حضور یابد، آنها پارلمان را ترک خواهند گفت.

ناخشنودی و مبارزه سازمان یافته علیه رژیم سادات در ارتش، این یگانه و آخرین سنگر رژیم پوشالی وابسته نیز، بطور فزاینده ای راه می یابد. بر پایه اطلاعاتی که در مطبوعات عربی منعکس می شود، یک سازمان زیر زمینی به نام "جنبش افسران آزاد"، همانام با سازمانی که انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ را به انجام رسانید، تشکیل شده است. برنامه "سازمان افسران آزاد" در بردارنده نکات زیرین است:

لغو موافقت نامه "کمپ دیوید"، فراهم ساختن زمینه فعالیت گسترده سیاسی برای همه جنبشها و احزاب مترقی، از جمله ناصریها و مارکسیستها، برقراری دگر باره مناسبات میان مصر و کشورهای عربی، بویژه کشورهای عضو جبهه پایداری عرب، و گسستن از استراتژی ایالات متحده آمریکا.

هر چند سادات با پشتیبانی بیدریخ امپریالیسم آمریکا، با قیضه پست های حساس و کلیدی شامل ریاست جمهوری، ریاست دولت، رهبری حزب حاکم، فرماندهی کل نیروهای مسلح، ریاست شورای عالی قضائی و ریاست پلیس رژیم دیکتاتوری فردی خویش را مستقر ساخته است، باید در نظر داشت که هیچ قدرتی، هر چند خود گامه و خونریز و آزادی کش، یارای رویا رویی با نیروی بر توان و شکست ناپذیر توده های مردم را ندارد. رویدادهای اخیر مصر، که نشانه تزلزل پایه های این دیکتاتوری است، فروریختن تمام بناها را نوید می دهد.

گسترش موج اعتراض علیه سلاح نوترونی

در هفته‌ای که گذشت تظاهرات اعتراضی علیه تصمیم دولت ریگان مبنی بر تولید سلاح نوترونی و استقرار این سلاح در کشورهای اروپای غربی دامنه گسترده‌تری به خود گرفت.

در برلن غربی ۷۰ هزار نفر در تظاهرات علیه سیاست مسابقه تسلیحاتی واشنگتن شرکت کردند. این تظاهرات در ارتباط با مسافرت ژنرال هیگ، وزیر امور خارجه آمریکا، به آلمان غربی انجام گرفت. تظاهرکنندگان، ضمن اعتراض به تصمیم ریگان رئیس جمهور آمریکا درباره تولید سلاح نوترونی و استقرار آن در اروپای غربی، در پاسخ به این اظهارات هیگ، که گفته است: "چیز - های مهمتر از صلح هم وجود دارد"، شعار می دادند:

آقای هیگ! هیچ چیز مهمتر از تامین صلح وجود ندارد؟

تظاهرکنندگان خواستار خودداری از تولید سلاح نوترونی و نیز انجام اقدامات عملی برای خلع سلاح شدند.

اما آذربایجان هیگ در آلمان غربی چنین برمی آید که دولت آمریکا به رغم خواست افکار عمومی، محافل اجتماعی و همه خلقهای جهان که تصمیم دولت آمریکا را گامی خطرناک در راه برافروختن آتش جنگ هسته‌ای ارزیابی می‌کنند، همچنان قصد دارد مسابقه تسلیحات هسته‌ای را تشدید کند و به تدارکات جنگی خود ادامه دهد. وزیر امور خارجه آمریکا طی مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که آمریکا برنامه استقرار سلاح نوترونی در اروپای غربی را رهبری خواهد کرد.

تصمیم خودسرانه ریگان در مورد تولید سلاح نوترونی و استقرار آن در اروپای غربی حتی موجب اعتراض برخی محافل دولتی در کشورهای اروپای غربی شده است. هلموت اشمیت، صدر اعظم آلمان فدرال، نخست وزیر ایالت بایرن و رئیس خود را از این تصمیم دولت آمریکا، که بدون مشورت با مستقین ناتو، یعنی آن اتخاذ شده است، ابراز داشتند.

در سوئیس جمع آوری امضاء زیر پیام صلح که فراخوانی است برای لغو تصمیم رئیس جمهور آمریکا در مورد تولید سلاح نوترونی، آغاز گردیده است. در این پیام نقشه استقرار موشکهای نوترونی در خاک اروپای غربی، بعنوان خطرناک ترین اقدام علیه صلح و امنیت جهانی ارزیابی شده است. هزاران نفر از اهالی سوئیس، از جمله نمایندگان پارلمان، رهبران سندیکاها و شخصیت‌های مذهبی زیر این پیام را امضاء کرده‌اند. در ایالت تکراس آمریکا دوازده اسقف کلیسای کاتولیک بیانه‌ای صادر کرده‌اند که در آن علیه تصمیم دولت آمریکا مبنی بر تولید سلاح نوترونی و استقرار آن در اروپای غربی اعتراض شده است. در این بیانیه از دولت آمریکا خواسته شده است که تصمیم خود را در مورد تولید سلاح نوترونی لغو نماید. و کوششهای عملی در راه عقد قرارداد محدود کردن تسلیحات هسته‌ای به کار بندد. در این پیام از سلاح نوترونی بعنوان مخوفترین سلاح گسترار جمعی یاد شده است.

تشدید توطئه‌ها

وتدارکات جنگی آمریکا در منطقه

در جریان دیدار چندی پیش مناخیم بگین رئیس دولت صهیونیستی اسرائیل، یک پیمان استراتژیکی میان دولت آمریکا و اسرائیل منعقد گردید. هدف این پیمان قبل از هر چیز آن است که اسرائیل، با کمک‌های گسترده نظامی آمریکا، در منطقه خاور نزدیک و میان به بزرگترین قدرت نظامی تبدیل شود و نقش نیروی ضربتی آمریکا را علیه کشورهای مستقل ملی و جنبش‌های رهاشی بخش ملی در منطقه ایفا نماید.

روزنامه الفجر، چاپ امارات متحد عربی، در این باره نوشت که پیمان استراتژیکی جدید میان آمریکا و اسرائیل، این منطقه را به کانون بحرانهای شدید مبدل می‌کند و این بحران - ها صلح سراسر منطقه و جهان را به خطر میانمیزد. این روزنامه می‌افزاید که پیمان استراتژیکی آمریکا و اسرائیل هدفش گسترش عملیات تجاوزگرانه اسرائیل علیه کشورهای مستقل ملی منطقه و برقراری کنترل نظامی بر منابع نفتی کشورهای این منطقه است.

روزنامه القیس، چاپ عربستان سعودی، نیز پیمان استراتژیکی آمریکا و اسرائیل را به عنوان یک نقشه تجاوزگرانه مشترک آمریکا و اسرائیل علیه خلقهای این منطقه ارزیابی میکند. گسترش دامنه تجاوزات اسرائیل به خاک لبنان و زیر

تفسیر وقایع مهم جهان

"شورای همکاری‌های خلیج فارس" طرح سلطان قابوس، شاه عمان، رادرمورد "امنیت منطقه" پذیرفته‌اند. با اینکه از جزئیات این طرح هنوز اطلاعاتی منتشر نشده است، اما با توجه به ماهیت رژیم عمان و خصمت "شورا" و کشورهای عضو آن مسلم است که طرح درباره امنیت منطقه، طرحی است توطئه‌گرانه و تجاوزکارانه علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای "عضو جبهه پایداری".

انسجام و گسترش

جبهه ضد امپریالیستی

و ضد صهیونیستی در منطقه

بدنبال تجاوز جنگنده‌های آمریکا به مرز فضائی لیبی، که در جریان مانور تحریک آمیز نیروهای دریائی آمریکا در مجاورت آبهای ساحلی لیبی انجام گرفت، دولت لیبی، ضمن اعتراض قاطعانه به این عمل تجاوزکارانه، آمادگی خود را برای دفع هرگونه اقدام تحریک آمیز و تجاوز نظامی آمریکا علیه جمهوری لیبی و دیگر کشورهای عضو "جبهه پایداری" اعلام نمود.

از جانب کشورهای عضو "جبهه پایداری" بمنظور انسجام و گسترش هر چه بیشتر جبهه ضد - امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه، اقدامات و تدابیر مشخص به عمل آمده است. بنا به گزارش مطبوعات، یک هیئت عالی مرتبه دولت سوریه برای انجام مذاکرات در زمینه همکاری‌ها و کمک متقابل به مسکو مسافرت کرد. دولت سوریه اعلام کرده که مسئله عقد پیمان نظامی دو جانبه با اتحاد شوروی را بررسی می‌کند. درین غازی کنفرانس کشورهای عضو "جبهه پایداری" - لیبی، سوریه، الجزایر، جمهوری دموکراتیک خلق یمین و جنبش آزادی بخش فلسطین در سطح وزیران امور خارجه، بمنظور بررسی اوضاع منطقه تشکیل جلسه داد. در آستانه تشکیل این جلسه از سوی عبدالعاطی العبدیدی، دبیر کمیته بررسی دفتر مردمی روابط خارجی لیبی، از وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دعوت شد که، بعنوان ناظر، در کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای عضو "جبهه پایداری" شرکت نماید. این دعوت از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد و آقای میر حسین موسوی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در راس هیئتی برای شرکت در این کنفرانس عازم لیبی شد.

آقای میر حسین موسوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، هنگام عزیمت به لیبی اعلام داشت که کشورهای عضو "جبهه پایداری" همواره از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده‌اند و آمادهمرکونه کمک و همکاری با جمهوری اسلامی ایران هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز از جانب خود خواهان بسط و گسترش روابط با کشورهای عضو "جبهه پایداری" است و شرکت هیئت نمایندگی ایران در این کنفرانس به تعمیق و گسترش این روابط، که هدفش انسجام جبهه مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه است، مساعدت خواهد کرد.

رژیم سادات در برابر

خشم و اعتراض توفنده خلق مصر

تظاهرات گسترده اعتراض آمیز توده های

خلق مصر علیه رژیم خیانت پیشه سادات همچنان ادامه دارد، پیگردهای گسترده و ترفندهای تبلیغاتی این رژیم خائن در مهار کردن خشم و نفرت توده‌های وسیع مردم تأثیری نبخشیده است. بدنبال سرکوب تظاهرات خیابانی و بازداشت هزاران نفر از تظاهرکنندگان، از جمله روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، روحانیون مبارز، دانشجویان و نمایندگان سازمان‌های دمکراتیک، امواج تظاهرات اعتراض آمیز علیه رژیم سادات همچنان در حال اعتلاست.

رژیم سادات و دستگاه تبلیغاتی آن، که در آغاز کوشش کردند، این انفجار خشم و نفرت توده های مردم را به عنوان "اختلافات مذهبی" جلوه دهند، امروز با این واقعیت روبرو هستند که ریشه اصلی این انفجار، از عدم رضایت توده های وسیع خلق و نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک

کشور نسبت به مجموع سیاست داخلی و خارجی رژیم خیانت پیشه‌ای سرچشمه می‌گیرد که، اقتصاد

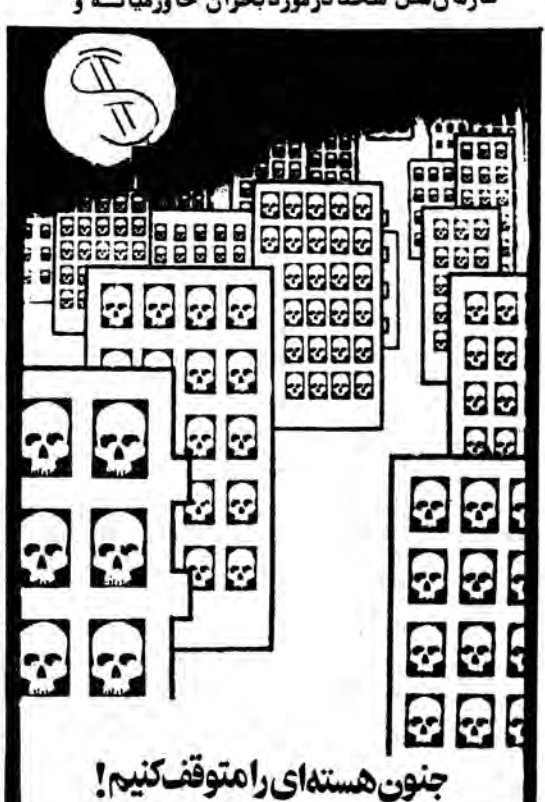
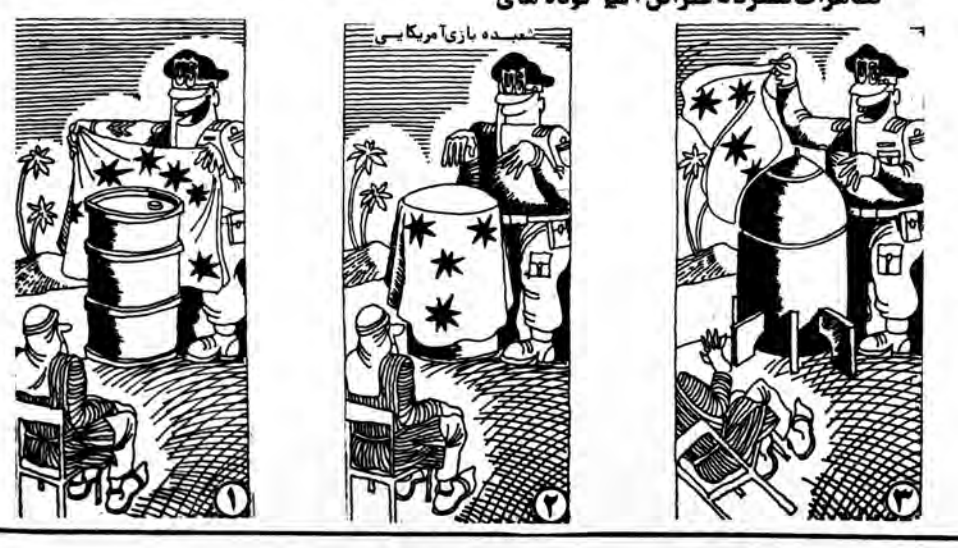
کشور را به افلاس کشانده و کشور را به پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا تبدیل کرده است. مردم مصر به این واقعیت پی برده‌اند که رژیم سادات با خیانت به منافع ملی خلق مصر و همه خلقهای عرب، به دستیار امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل تبدیل شده و نقش ژاندارم امپریالیسم آمریکا را در منطقه بر عهده گرفته است.

رژیم سادات در تلاشهای خود برای مقابله با تظاهرات گسترده توده‌های مردم و نیروهای ترقیخواه مذبوحانه می‌کوشد محرک این تظاهرات را "عوامل خارجی" معرفی کند. دولت مصره سفیر اتحاد شوروی و هیئت سیاسی آن کشور اعلام کرد که خاک مصر را ترک کنند. به دنبال این اقدام، دستگاه تبلیغاتی رژیم سعی دارد که این تظاهرات و نا آرامی‌ها در مصر را به تحریک آزادی منابع دیپلماتیک شوروی نسبت دهد.

اما این گونه تلاشهای مذبوحانه امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن صدها بار به رسوائی انجامیده است.

در آستانه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم میهن مانیزمهره‌های آمریکائی، که در اوپسین لحظات عمر رژیم جنایتکار و منفور شاه ملعون به صحنه سیاسی می‌آمدند، تلاش می‌کردند که جنبش سبیل آسای انقلابی مردم ایران را "تحریک مسکو" و توطئه کمونیستها" وانمود سازند. امروز هم که رژیم خیانت پیشه سادات خود را در برابر موج عظیم اعتراض توده‌های خلق ناتوان می‌بیند، شیوه‌های کهنه "دوست و همکار خود" شاه ملعون را با کار می‌گیرد، تا شاید از این طریق روزنه نجاتی برای خود دست و پا کند. تلاشی که البته سرانجامی جز رسوائی و شکست ندارد.

پیگردهای خشونت آمیز رژیم سادات علیه نیروهای میهن دوست مصر با اعتراض محافل اجتماعی جهانی روبرو می‌شود. برابر گزارش خبرگزاری فرانسه از پاریس، کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر "دفرانس" که ریاست آن را ژرژ مارش، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، عهده دار است، از نقض حقوق بشر در مصر به شدت اظهار نگرانی و انزجار کرده است. این کمیته، طی بیانیه‌ای که در مورد رویدادهای مصر انتشار داده، با اقدامات اخیر رژیم سادات علیه آزادی افکار و نقض حقوق بشر در مصر اعتراض جدی نموده و یادآور شده است که تمام نیروهای دمکراتیک فرانسه به اقدامات رژیم سادات اعتراض دارند. کمیته دفاع از حقوق بشر از دولت مصر خواسته است که به اختناق و فشار در مصر پایان داده شود و از پیگرد و بازداشت ناراضیان مذهبی و سیاسی خودداری گردد.



شناسائی حق حاکمیت خلق عرب فلسطین اعلام داشته است. امپریالیسم آمریکا در توطئه‌های براندازی و نقشه تجاوزکارانه خود علیه انقلابها و رژیم‌های مستقل ملی این منطقه، به موازات تدارکات جنگی گسترده مستقیم خود، یعنی تمرکز نیروهای بزرگ دریائی و هوائی در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و استقرار واحدهائی از نیروهای "واکنش سریع" در پایگاه‌های نظامی در این منطقه همچنان کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به رژیم - های ضد خلقی و وابسته به خود در این منطقه را توسعه می‌دهد. فروش هواپیماهای آواکس به عربستان سعودی، کمک نظامی معادل ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به رژیم صیانت الحق در پاکستان، کمکهای نظامی به رژیم خیانت پیشه سادات و به رژیم سلطان قابوس در عمان و تبدیل سرزمین این کشور به پایگاه نظامی، کمکهای نظامی و تسلیحاتی به سومالی، کنیا و استفاده از بنادر این کشور بعنوان پایگاه نظامی - همه و همه نموداری از تحقق یک برنامه نظامی استراتژیکی امپریالیسم آمریکا در این منطقه است. امپریالیسم آمریکا با اجرای این برنامه تلاش دارد که انقلابها و رژیمهای مستقل ملی در این منطقه را سرکوب و نابود کند و بدینسان مواضع سیاسی و نظامی و اقتصادی از دست رفته خود را باز ستاند و کنترل نظامی خود را بر کشورهای این منطقه برقرار سازد. از سوی دیگر رژیم‌های ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا، بدستور ارباب خود، دامنه توطئه‌ها و تحریکات نظامی خود علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری را گسترش می‌دهند. بنا به گزارش روزنامه المدينه، چاپ عربستان سعودی، در هفته آینه کنفرانس روسای ستاد مشترک ارتش‌های کشورهای عضو پایدخت عربستان سعودی، تشکیل خواهد شد. "شورای همکاری‌های خلیج فارس" که از عربستان سعودی، عمان، بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی تشکیل یافته دارای یک دبیرخانه دائمی در ریاض است. این شورا در واقع یک بلوک سیاسی و نظامی است که طبق نقشه امپریالیسم آمریکا در این منطقه تشکیل شده است طبق گزارش خبرگزاری فرانسه، وزیر خارجه دولت عمان اعلام کرده است که کشورهای عضو

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها...

پیام مشترک سازمان جوانان توده ایران و سازمان دانش آموزان پیشگام ایران

به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰

سال تحصیلی جدید، سال اتحاد، سال رزم مشترک

و متحد همه دانش آموزان

علیه آمریکای جنایتکار و تفاله‌های آن خواهد بود!

دانش آموزان انقلابی!

معلمین و فرهنگیان گرامی!

مسئولین محترم آموزش و پرورش!

اولیاء ارجمند دانش آموزان!

در آستانه سال تحصیلی جدید، گرم‌ترین دروهای سازمان دانش آموزان پیشگام و سازمان جوانان توده ایران، سازمان‌های جوانان انقلابی و میهن دوست ایران را، که در راه دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن و تحکیم شکوفائی جمهوری اسلامی ایران می‌رزمند، بپذیرید.

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌شود که انقلاب شکوهمند مردم ایران در یکی از حساس‌ترین مراحل رشد و تکامل خود قرار دارد. امپریالیسم جهانی، به سرکردگی "شیطان بزرگ" آمریکا جنایتکار، و تفاله‌های رنگارنگش تمامی توش و توان خویش را به کار گرفته‌اند تا با سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، میهن عزیز ما را دگر باره به زیر سیطرهٔ جهنمی و اهریمنی خویش کشند. آنان در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نکرده و نمی‌کنند. تجربه دو سال و نیم استقرار جمهوری اسلامی ایران شاهد انواع ترندها و دیسه‌های آمریکا جنایتکار و ضد انقلاب پرورده‌اش علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

ایجاد اغتشاش در نواحی گوناگون کشور، محاصره اقتصادی، تهدید حمله نظامی، توطئه کودتا، تجاوز مستقیم نظامی، تحریر رژیم صدام به جنگ علیه ایران انقلابی، ترغیب به شکست کشاندن انقلاب ایران از درون توسط لیبرال‌ها و بنی صدر و بالاخره توطئه کثیف و جنایتکارانه ترور رهبران جمهوری اسلامی ایران، که متأسفانه تاکنون منجر به شهادت تعدادی از شخصیت‌های مملکتی، از جمله رئیس جمهور آقای محمدعلی رجایی و نخست وزیر آقای دکتر باهنر، که هر دو مدت‌ها مسئولیت خطیر اداره آموزش و پرورش کشور را به عهده داشتند، گردیده است.

مدارس در مجموعه ترندهای آمریکای جنایتکار علیه انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی، و مردمی ایران جای ویژه دارند. ایجاد اغتشاش در مدارس، به مثابه حلقه‌ای از توطئه‌های براندازی، مورد توجه جدی سرویس‌های جاسوسی و خرابکاری امپریالیستی بوده‌است.

در اسناد لانه جاسوسی آمریکا این سناریو چنین ترسیم شده‌است: "تفاق در مدارس بین محصلین و بین کارمندان و بیاورد که منجر به بسته شدن مدارس یا محیط خشونت‌های افراطی که باعث نارضایتی عمومی و همچنین به شیوه قبل از انقلاب چهل هائی بعد از چهل گرفته شود، شیوه‌ای که نقش بزرگی در سقوط شاه داشت."

تجربه ۲ سال تحصیلی پس از انقلاب نشان می‌دهد که متأسفانه دشمنان انقلاب، با بهره گیری از نارسائی‌ها و کاستی‌ها، بی برنامه‌گی مسئولین و برخی تنگ نظری‌ها و انحصار طلبی‌ها و به دام انداختن گروهی از جوانان و دانش آموزان ناآگاه و بی تجربه، کم و بیش توانسته‌اند در اجرای این سناریو شوم، مدارس را به اغتشاش کشند. این تجربه، مسئولین امر، فرهنگیان و دانش آموزان را فرامی‌خواند که هر چه هشیارتر و بی برنامه‌تر سال تحصیلی جدید را آغاز کنند و بکوشند تا در پرتو اتحاد و همبستگی همه نیروهای مومن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران، سال تحصیلی جدید را به سال شکست توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و تفاله "های آن"، سال آرامش و سازندگی در مدارس و سال تثبیت تحکیم و گسترش هم‌جانانه دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم ایران بدل سازند.

دانش آموزان عزیز و انقلابی!

شما که یاد لوری‌ها و اواز جان گذشتگی‌های خود در پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن سهم به سزایی داشتید و همراه توده‌های خلق پرچم انقلاب را با دست‌های نوجوان خویش افراشته‌نگه داشتید، شما که در سالهای پرفراز و نشیب پس از انقلاب در دفاع از میهن عزیز خود حماسه‌ها آفریدید و با استواری در مقابل ترندهای دشمنان داخلی و خارجی ایستادید، شما که در جبهه‌های جنگ میهنی علیه تجاوز آمریکایی-صدامی در صفوف نخستین نبرد فرار دارید و از درون خود حماسه‌سازانی چون حسین فهمید را به انقلاب تقدیم داشتید، در سال تحصیلی جدید با هشیاری و اتحاد، توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا جنایتکار را عقیم گذارید. عناصر ناآگاه و بی تجربه‌ای را که تحت تاثیر ضد انقلاب راست و چپ‌نمای پرورده آمریکا قرار گرفته‌اند، با واقعیات انقلاب آشنا کنید. با بر خورد متین، اصولی و سازنده و پرشکب خویش، ماهیت عملکردهای گروهک‌های ضد انقلابی و چپ‌رو برای آنان شرح دهید و بکشید تا جو تفاهم و همبستگی را در همه مدارس بگسترانید. در قبال توطئه‌های تفرقه افکنان هشیار باشید. در برابر تنگ نظری‌های و انحصار طلبی‌ها بر خورد اصولی پیشه کنید و بکشید تا مضار چنین شیوه‌هایی را برای حال و آینده جمهوری جوان اسلامی ایران به عناصر ناآگاه، انحصار طلب و تنگ نظر توضیح دهید.

آغاز سال تحصیلی جدید با "هفته جنگ" مصادف است. این تصادف، ما را به توجه جدی به امر دفاع از انقلاب در قبال تجاوزات آمریکای جنایتکار و مز دوران صدامی آن فرامی‌خواند. هر چه فالتر در صفوف ارتش ۲۰ میلیونی شرکت کنید، آموزش نظامی را فراتر برید و خود را از هر ناره برای پرتوان تر کردن جبهه‌های جنگ میهنی آماده سازید.

شمارد ساختمان ایرانی مستقل، آزاد و آباد و وظیفه بزرگی بر عهده دارید. با فراگیری هر چه گسترده‌تر و عمیق‌تر علوم و فنون امروزی مغزها و دست‌های خویش را برای پذیرش این وظیفه عظیم و انجام شایسته آن آماده سازید. تنها به کتب درسی اکتفا نکنید و با مطالعه همه‌جانبه آگاهی اجتماعی، فرهنگی و علمی خویش را توسعه دهید و به آمریکا جنایتکار نشان دهید که هیچ خرابکاری و ترغیبی قادر نیست نسل جوان ایران را از تلاش برای آموختن و سازندگی باز دارد!

با کاروشن‌گرانه و توضیحی، مسئولین و همه فرهنگیان را به اهمیت تشکیل شوراهای مدارس آشنا کنید. در مدرسی که شرایط آماده است، در تشکیل شوراها فعالانه شرکت جوئید و از این طریق نقش شایسته خویش را در اداره امور مدارس ایفا کنید!

با تشکیل تعاونیهای مدارس به رفع کاستی‌ها و کمبودهای ناشی از جنگ تحصیلی در مدارس همت گمارید. و سایر مسائل درسی از قبیل نوشت افزار، کتب درسی، و در مدارس دخترانه لباس مدرسه، و... را از طریق تعاونی‌ها در دسترس همه دانش آموزان قرار دهید!

فعالان در فعالیت‌های فوق برنامه، کتابخانه‌های مدارس، فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی و... شرکت جوئید و بکشید از هم اکنون خود و دیگران را جوانانسی از نظر اجتماعی آگاه، فعال، مردم دوست و دلسوز به انقلاب بار آورید!

با خانواده و پدران و مادران خویش مناسبات دوستانه و مبتنی بر صمیمیت و احترام متقابل برقرار کنید. آنان را به شرکت در انجمن‌های اولیاء و مربیان ترغیب کنید!

اتحاد و همبستگی ضامن پیروزی در راه دشواری است که در آن گام نهادماید.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت سالگرد جنگ تجاوزکارانه آمریکایی-صدامی

علیه جمهوری اسلامی ایران

برای پیروزی نهائی در جنگ عادلانه بر ضد تجاوز

آمریکایی-صدامی متحد شویم!

و بمب گذاری و ایجاد تشنج و آشوب، با خرابکاری در شئون مختلف اقتصاد کشور و تشدید فشار اقتصادی بر ایران، با ایجاد کانون‌های تازه شورش و تجاوز در مرزهای ایران-ترکیه و ایران-پاکستان، با تشدید نفاق افکنی بین نیروهای انقلابی، به ویژه میان مسلمانان انقلابی و بیرون سوسیالیسم علمی، و سرانجام با ادامه جنگ تجاوزکارانه فرسایشی توسط رژیم صدام-که همه حلقهات زنجیر یک توطئه هستند و همه به یکدیگر برای موفقیت در زمینه معین کمک می‌کنند - جبهه انقلاب را تضعیف کند و زمینه را برای وارد آوردن ضربه نهائی بر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد.

از همینجاست که باید بیش از پیش تمام نیروی مادی و انسانی میهن ما را تجهیز کرد، از تمام دوستان انقلاب ایران در صحنه جهانی کمک گرفت و برای عقیم ساختن توطئه امپریالیسم آمریکا و دستیارانش بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - از جمله برای دفع تجاوز آمریکایی صدامی - به کار انداخت و اینجانب اتحاد همه نیروهای مردمی و انقلابی صرف نظر از گرایش‌های مسلکی و مذهبی، مطمئن ترین وثیقه برای مقابله موثر و پیروزمند با توطئه امپریالیسم آمریکا و دستیارانش بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از جمله تجاوز آمریکایی-صدامی است.

در سالگرد تجاوز آمریکایی-صدامی به خاک میهن انقلابی ما، در سالگرد جنگ عادلانه خلق انقلابی ما بر ضد این تجاوز، حزب توده ایران به پاسداران سلحشور و نیروهای مسلح و دلیر ما در جبهه، و به همه نیروهای مردمی در پشت جبهه، که در پیوند ناگسستنی با یکدیگر، برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دفع تجاوز آمریکایی-صدامی، جانبازی و فداکاری می‌کنند، درود پر شور می‌فرستد.

حزب توده ایران گروهی از بهترین فرزندان، دوشادوش پاسداران و ارتشیان، در جبهه جنگیداند و به شهادت رسیده‌اند، مانند گذشته، وظیفه میهنی و انقلابی خود را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دفع تجاوز آمریکایی-صدامی، تا پیروزی نهائی انجام می‌دهد.

حزب توده ایران تردید ندارد که تجهیز بیش از پیش تمام نیروی مادی و انسانی میهن ما بر پایه اتحاد همه نیروهای مردمی و انقلابی، صرف نظر از گرایش‌های مسلکی و مذهبی، و استفاده از کمک دوستان انقلاب در صحنه جهانی، خواهد توانست توطئه امپریالیسم آمریکا و دستیارانش را بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عقیم گذارد، دشمن متجاوز را سر جای خود بنشاند، استقلال و تمامیت ارضی ایران را حفظ کند و انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران را، بر رهبری امام خمینی، به پیروزی قطعی و نهائی برساند.

پیروز باد جنگ عادلانه مردم ایران بر ضد تجاوز آمریکایی-صدامی!
برقرار باد جبهه متحد خلق!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۶۰/۶/۲۲

از جنگ تجاوزکارانه‌ای که به تحریک امپریالیسم آمریکا و به دست رژیم صدام به میهن انقلابی ما تحمیل شد، و هدفش آماده کردن زمینه برای سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بود - هشت - یک سال می‌گذرد. تدارک این جنگ تجاوزکارانه و تحصیلی، مدت ها قبل از بروز جنگ، به وسیله بخشی از نیروهای انقلابی ایران، از جمله حزب توده ایران، فاش شده بود. حزب توده ایران، ضمن افشای تدارک جنگ تجاوزکارانه آمریکایی-صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران، مصرا نه خواستار آن شده بود که برای مقابله با این توطئه ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، همه نیروهای مادی و انسانی میهن ما تجهیز شود، از تمام دوستان انقلاب ایران در صحنه جهانی کمک گرفته شود. همه خلق ها و تمام نیروهای انقلابی ایران متحد شوند، تا دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دفع تجاوز به طور موثر ممکن گردد.

متأسفانه به این هشدارها و یادآوری‌ها به طور عمد به علت کارشکنی‌ها و خرابکاری‌ها و سیاست انحرافی و سازش و تسلیم لیبرال‌ها و باند بنی صدر - توجه نشد و دشمن متجاوز کار توانست، با استفاده از اغفالگری و عدم آمادگی ما، بخشی از خاک میهن ما را به تصرف در آورد و زبان‌های مادی و تلفات جانی سنگینی بر ما وارد سازد.

با این همه، این توطئه آمریکایی-صدامی کمی بایست، با استفاده از اغفالگری و عدم آمادگی ما، با پیروزی "برق آبی" لشکریان صدام زمین را برای سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران توسط ضد انقلاب داخلی فراهم سازد، در اساس خود با شکست روبرو شد.

امپریالیست‌های آمریکایی و همدستان صدامی آن‌ها، مانند همیشه، خلق میهن ما و نیروی شکر انقلابی و خلاقه آن را به حساب نیاورده بودند.

آری، خلق قهرمان ما، پاسداران سلحشور و ما و نیروهای مسلح دلیر ما، علی‌رغم کارشکنی‌های بنی صدر و دستیارانش، نه فقط از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با ایثاری کم نظیر و موفقانه دفاع کردند، بلکه از نظر نظامی نیز دشمن متجاوز را متوقف ساختند و به تدریج آن را زیر ضرب گرفتند. زنان و مردان میهن دوست و آزاده ما، از پیر و جوان، حتی کودکان، در جبهه و پشت جبهه، بانثار خون و با کار خلاق، وظیفه میهنی و انقلابی خود را انجام دادند و می‌دهند.

ولی جنگ تجاوزکارانه آمریکایی-صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران، با آن که به هدف فوری خود نرسیده، اما در چارچوب توطئه عمومی امپریالیسم آمریکا و دستیارانش علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، همچنان جای بسیار مهمی دارد. این جنگ، همراه با سایر اشکال توطئه امپریالیسم آمریکا و دستیارانش علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، اینک وظیفه فرسودن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را به عهده گرفته‌است.

امپریالیسم آمریکا، که اینک در تدارک هشتمین توطئه خود برای سرکوب انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، می‌کوشد با ترور

نسل انقلاب در اتحاد و همبستگی را در تظاهرات خیابانی، در سنگرهای نبرد مسلحانه ۲۲ و ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ و در سنگرهای جنگ میهنی علیه تجاوز آمریکایی-صدامی آموخته‌است و باید آن را در محیط مدرسه نیز با شایستگی تحکیم کند.

سازمان جوانان توده ایران و سازمان دانش آموزان پیشگام ایران از همه دانش آموزان آگاه و انقلابی، از سازمان‌های دانش آموزی مؤمن به انقلاب، از انجمن‌های اسلامی دانش آموزان، از دانش آموزان هوادار جنبش مسلمانان مبارز و از کانون دانش آموزان ایران دعوت می‌کند که در سال تحصیلی جدید، هر چه فعال‌تر در راه تحکیم این اتحاد بکوشند، از گروه‌گرایی و تنگ نظری بر - حذر باشند و سنگ پایه‌های "اتحادیه سراسری

دانش آموزان" را بنیاد نهند. تشکیل "اتحادیه سراسری دانش آموزان" بی شک نقطه عطفی در تاریخ جنبش دانش آموزی ایران خواهد بود و آن را از پراکندگی سازمانی، که نقطه ضعف بزرگ آن است، خواهد رها کند. تشکیل "اتحادیه سراسری دانش آموزان" ضامن شرکت فعال‌تر، یکپارچه و منسجم توده‌های دانش آموز در حیات اجتماعی و سیاسی ایران انقلابی خواهد بود.

مسئولین محترم آموزش و پرورش!

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌شود که تجربه گرانقدر ۲ سال تحصیلی پس از انقلاب در برابر شما قرار دارد. این تجربه می‌تواند بقیه در صفحه ۷

اتیوپی انقلابی سالروز انقلاب خود را جشن میگیرد

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و...

بقیماز صفحه ۶

۱۲ سپتامبر ۱۹۸۱ (۲۱ شهریور ۱۳۶۰) سالروز انقلاب اتیوپی است.

هفت سال پیش در چنیسن روزی (۱۲ سپتامبر ۱۹۷۴) رژیم سلطنتی و قرون وسطایی وابسته به امپریالیسم هایلاسلاسی توسط افسران جوان انقلابی به نمایندگی از توده‌های زحمتکش این کشور سرنگون شد. و به جای آن جمهوری ضد امپریالیستی مردم اتیوپی برقرار گردید. مردم اتیوپی پیش از انقلاب عملاً از رهبری سیاسی محروم بودند. استبداد سلطنتی با تبدیل این کشور به تار یک خانه ظلم و جهالت از تشکل سیاسی مردم بشدت جلوگیری می نمود. در چنین فضای اختناق آمیزی افسران جوان مترقی و سربازان انقلابی نقش رهبری سرنگونی رژیم پوسیده را بر عهده گرفتند.

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی اتیوپی به سلطه جابرانه رژیم در شاخ آفریقا پایان داد که از آن مناسبات عمیق فئودالی ۱۵۰۰۰۰ انسان مبتلا به جذام ۴۵۰۰۰۰ مبتلا به سل، ۶ تا ۷ میلیون مبتلا به مالاریا و ۱۴ میلیون مبتلا به بیماری‌های چشم و ۹۳٪ بیسواد بیدادگار مانده است. در این کشور ۳۰ میلیون تنی تنها ۱۲۵ پزشک وجود داشت که به هیچ وجه حاضر نبودند گامی از پایتخت فراتر نهند.

اکثریت عظیم ۳۰ میلیون جمعیت این کشور را روستائیان تشکیل می دهند که شیوه زندگی شان بر بنیاد ساختار اقتصادی قرون وسطایی استوار بود.

منگستوها یله مریم رئیس شورای مدیریت موقت نظامی برای زدودن آثار نکت با استعمار و رژیم وابسته بان از همان آغاز تاکید نمود: "تنها دو چیز انقلاب و وحدت ما و ساختمان سوسیالیسم راتضمین می کند: یکی پی ریزی پایه محکم اقتصادی و دیگری ایجاد حزب زحمت کشان برای رهبری دائمی است."

این رهنمود شالوده همه تحولات بنیادین جامعه اتیوپی را که جز ۲۵ کشور بسیار عقب مانده جهان بود، ترسیم می نماید.

شورای مدیریت موقت نظامی برای ریشه کن کردن فئودالیسم در اتیوپی که عمده ترین سنگر ارتجاع و امپریالیسم و عامل مهم عقب ماندگی کشور است، فرمان تقسیم زمین بین دهقانان را تصویب نمود.

به موجب این فرمان به هر خانواده روستایی حق کشت تا ۱۰ هکتار زمین داده شد و بیشتر از آن ممنوع گردید. فرمان مذکور استفاده از نیروی کار مزد بگیر و اجاره داده زمین را منع نمود.

آن شویده که نابسامانی های ناشی از جنگ بیش از این بر آنان لطمه وارد سازد!

هم اکنون وظیفه های دشوار و مسئولیتی خطیر بدوش شماست. وظیفه تعلیم و تربیت بیش از ۱۰ میلیون جوانی که به فراگیری علم و فن در مدارس کشور مشغولند و رسالت ساختمان ایرانی نو را به عهده دارند.

دانش آموزان را با روح ایمان به انقلاب، عشق به زحمتکشان و محرومان، نفرت از امپریالیسم، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، ستگری و بی عدالتی اجتماعی، فداکاری و ایثار، مردم دوستی و بیگارجویی تربیت کنید!

با دانش آموزان مناسبات صمیمانه و مبتنی بر احترام متقابل برقرار کنید و از هرگونه برخورد زور مدارانه اجتناب ورزید!

نسل انقلاب کنجگاو کنکا شکر است. با مطالعه گسترده توانایی پاسخگویی به پرش های آنان را به شیوه ای مقنع و علمی در خود فراهم آورید. دانش آموزان را به مطالعه وسیع تر از چارچوب کتب درسی موجود که متاسفانه دارای نقایص و کاستی های فراوان است - ترغیب کنید و افاق دید اجتماعی، فرهنگی، و علمی آنان را گسترش دهید!

بسیستم خویش در تشکیل شوراهای مدارس کوشا باشید و اهمیت تشکل های صنفی را برای دانش آموزان و همکارانتان توضیح دهید!

همزمان با تقسیم زمین سازمان دادن تعاونی ها آغاز گردید. گردآوردن دهقانان در تعاونی ها از ژوئن ۱۹۷۹ (خرداد ۵۹) به یک وظیفه ملی تبدیل شده است. این تعاونی ها ابزار سیاسی مهمی برای پرورش دهقانان برای کار جمعی و زندگی مترقی اجتماعی است.

اصل داوطلبی برای شرکت در کار تعاونی ها دقیقاً رعایت شده است. جذب دهقانان به تعاونی ها از روی سر مشق، اسلوب عملی و اقناعی برای سازماندهی تعاونی هاست. بدین منظور در چهارده مایلت واحدهای بهره برداری جمعی نمونه بوجود آمده که فواید کار جمعی کارآیی و پیشرفت مادی و معنوی زندگی در تعاونی ها را به دهقانان نشان می دهد.

به موازات این اقدام نهضت سوادآموزی، سراسر کشور را دربرگرفت. استقبال مردم از سوادآموزی به حدی بود که از همان آغاز ۵۴۰۰۰۰ نفر ثبت نام کردند. تصمیم گرفته شد هر کس خواندن و نوشتن می داند آن را به دیگری بیاموزد. بر این اساس ۳۰۵۰۰۰ مرکز سوادآموزی در سراسر کشور بوجود آمد. برای این کار از نیروی همه معلمان، دانشجویان و حتی دانش آموزان مدارس استفاده شد. طی دو مرحله سوادآموزی ۶ میلیون نفر خواندن و نوشتن یاد گرفتند. از این عده سه میلیون و نیم نوجوان تحصیلات خود را در مدارس ابتدایی ادامه دادند. در سال ۱۹۸۰ سوادآموزی در روستاها آغاز شد. صدها هزار دهقان به این نهضت جلب شدند. دولت انقلابی اتیوپی تصمیم گرفت تا سوادآموزی را تا ۱۹۸۱ در شهرها و تا ۱۹۸۶ در روستاها بی پایان رساند.

شورای رهبری انقلاب برای تشکل سیاسی - انقلابی توده های زحمتکش و پرورش همه جانبه آنان نخستین گام ها را برای تشکیل حزب زحمت کشان اتیوپی به عنوان حزب پیشاهنگ برداشت و با ایجاد کمیسیونی مقدمات تشکیل آن را فراهم آورد. رسالت تاریخی حزب "حذف کامل فئودالیسم، امپریالیسم و دیوانسالاری بورژوازی... رهبری خلق در ساختمان جامعه سوسیالیستی در کشور اعلام گردید.

طبق فرمان شورای مدیریت موقت نظامی همه نمایندگان زحمتکشان و ارتش انقلابی که به سن ۱۸ رسیدند و معتقد به فلسفه علمی اند و برنامه انقلاب دموکراتیک ملی را قبول دارند و از فعالان امر کبیر انقلاب به شمار می روند، می توانند به عضویت کمیسیون در آیند.

برای تربیت کادرهای حزب، کمیسیون اقدام به ایجاد شبکه وسیعی از مدارس سیاسی،

اولیاء گرامی! پدران و مادران ارجمند!

با شروع سال تحصیلی، مسئولیت شما در قبال فرزندانان دوچندان می شود. این وظیفه شما است که با نظارت و پیگیری در امر آموزش و پرورش فرزندانان، بایاری آموزگاران، آنان را با شایستگی تمام پرورش دهید. اهمیت آموزش و پرورش در منزل کمتر از آموزش و پرورش در مدرسه نیست. هر رفتار، گفتار و کردار شما می تواند در آینده فرزندانان تاثیر نهد.

با شرکت در انجمن های اولیاء و مربیان و بایاری آموزگاران در امر آموزش و پرورش فرزندان خود شرکت جوئید!

با ایجاد مناسبات صمیمانه و مبتنی بر احترام متقابل، اعتماد فرزندانان را به خود جلب کنید!

به حقوق فرزندانان، به عنوان انسان - هایی مستقل و متکی به خود احترام بگذارید. خواست های اصولی آنان را برآورده سازید و آنان را در جهت منافع انقلاب و میهن انقلابی بار آورید!

عشق به انقلاب و میهن انقلابی، نفرت از امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکای جنایتکار و "تقاله های آن، عشق به مردم زحمتکش و نفرت از بی عدالتی و ستگری، روح همکاری جمعی، انضباط، مسئولیت پذیری، مطالعه و... را در فرزندانان پرورش دهید!

بکوشیم تا همه دست در دست هم سال تحصیلی جدید را به سالی پر بار برای انقلاب و میهن انقلابی، به سال اتحاد و همبستگی همه نیروهای مومن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران، به سال شکست امپریالیسم، به سرکردگی آمریکای جنایتکار و "تقاله های رنگارنگش بدل سازیم!

سازمان دانش آموزان پیشگام ایران - سازمان جوانان توده ایران

۱۳۶۰/۶/۱۲

تشکیل سمینارها و تماس با احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی، جنبش های دموکراتیک ملی و سازمان های دموکراتیک کردماست. منگستوها یله مریم در این باره گفته است: "مانویم های انقلابی را از دیگران یاد گرفته و یاد خواهیم گرفت... راه رشد سوسیالیستی و وفاداری به اصول انترناسیونالیسم پرولتری خط مشی عمومی ماست."

نخستین کنگره کمیسیون تشکیل حزب زحمتکشان در سال گذشته مقارن با برگزاری روز های انقلاب برگزار شد. این کنگره شماره کار نزدیک به شش سال کوشش خلق برای تشکیل اتیوپی نوین است.

انقلاب اتیوپی از همان آغاز با مقاومت و عکس العمل شدید امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه و ضد انقلاب داخلی - از فئودالها تا چپ نمایان - روبرو شد. امپریالیسم با سوجدستن از تنوع اقوام در اتیوپی به تحریک آنان بر ضد انقلاب و نظام نوین پرداخت. موجی از تروریسم سراسر کشور رافرا گرفت. ضد انقلاب و فئودالیسم در روستاها فعالین تعاونی ها و مربیان سیاسی کمیسیون حزب زحمتکشان و حتی اعضای تعاونی ها را ترور می کردند. چپ نمایان در شهرها دست به ترور کادرهای موثر دولتی زدند. دولت انقلابی اتیوپی با تشکیل گروه های ضربتی و به کمک نیروی زحمتکشان تروریسم را مهار نمود. هم اکنون امپریالیسم برای تجزیه این کشور به یاری سوماتلی و سودان مشغول فتنه انگیزی است.

امروزیم انقلابی اتیوپی با تکیه بر اراده زحمتکشان و اتحاد سیاست روشن بین المللی در پیوند با اردوگاه ضد امپریالیسم جهانی - کشور های سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی سایر کشورهای ضد امپریالیست جهان چون لیبی، یمن دموکراتیک و غیره - توانسته است بر مشکلات درونی و بیرونی فایق آید و راه پیشرفت اجتماعی اتیوپی نوین را هموار سازد.

امضای پیمان جدید دوستی و همکاری بین اتیوپی انقلابی و کشورهای ضد امپریالیست عضو جبهه پایداری، لیبی و یمن دموکراتیک فصل جدیدی از پیوند نیروهای انقلابی در شاخ آفریقا و منطقه خاور نزدیک است. این همکاری می تواند در توانمند گردانیدن هر چه بیشتر نیرو های انقلابی این کشورها در مقابل با دور جدید توطئه های تبهکارانه امپریالیسم آمریکا در سراسر این مناطق بطور موثر کمک نماید.

این مناطق بطور موثر کمک نماید.

پاسخ حزب کمونیست...

ژرژ مارش، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه قرار دارد، نام عزیز را برای زندانیان ایرلندی فرستاد تا پیروزی شما

پاسخ به تونی هیوز: برادران عزیز، زندانیان بلغاستا پیام شما، که دیروز آن را دریافت داشتیم، ما را عمیقاً تحت تاثیر قرارداد. ماه شما اطمینان می دهیم که با تمام توان خویش می کوشیم، تا پاسخ ما در زندان بدست شما برسد. نامه شما دلآوری و بانگ رفقای خود ما را در روزهای مقاومت (ضد فاشیستی) از نو زنده می کند.

از دیر زمانی پیش از مرگ قهرمانانه بابی ساندز، ماهم روز در تلاشیم، تا زحمتکشان، دموکرات ها و جوانان فرانسه را بسیج کنیم و به وجدان آنان توسل جوئیم. چهارشنبه گذشته، بدنبال فراخوان ژرژ مارش، پاریس صدای اعتراض ما و همبستگی با شما را، که ما تا دروازه سفارت بریتانیا فریاد کردیم، شنید.

مادر برابر تصویر بابی ساندز، که هزاران شاخ گل میخک به نشانه برادری و مبارزه بر آن نثار شده، سوگند یاد می کنیم که مبارزه خود را در جهت حقوق شما، علیه همه استعمارگران بریتانیایی، در جهت آزادی تمام خلق ایرلند، در جهت ارتقاء شان همه زنان و مردان ایرلندی ادامه دهیم و گسترش بحشم.

ما تا پیروزی شما، با شما خواهیم بود. با شما و با همه مردم دوستدار آزادی در سراسر جهان. ما به شما اطمینان می دهیم که زندان - هایتان تبدیل به گورستان خواهد شد. ما زندگی شما، حقوق شما و آزادی شما را نجات خواهیم داد.

بقیماز صفحه ۸

حزب کمونیست عراق خطاب به نظامیان این کشور :

ارتش را ترک کنید و سلاح خود را به سینه باند صد ام نشانه بگیرید !

حزب کمونیست عراق در فراخوانی خطاب به نظامیان عراق ، از آنان خواسته است که ارتش را ترک کنند و سلاح خود را به سینه باند صد ام نشانه بگیرند .

حزب کمونیست عراق بدینسان بار دیگر خصلت مبین دوستانه و انترناسیونالیستی خود را نشان داده و ضمن تحهیز مردم عراق برای سرنگون ساختن رژیم دیکتاتوری صدام ، همسنگی خود را با مردم ایران ، انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران به ثبوت رسانیده است .

در زیر فراخوان حزب کمونیست عراق به نظامیان عراق به اطلاع خوانندگان گرامی می رسد .

نظامیان مبین دوست و شرافتمند ارتش عراق !
سربازان ، افسران کادر و وظیفه ، با هر عقیده و مسلک سیاسی ، از کرد و عرب و اقلیت های دلی دیگر ، مسلمانان ، مسیحیان ، پیروان مذاهب و ادیان مختلف !
مبارزان ضد دیکتاتوری و سیاست خون ریزی و کشتار !
کلید نظامیان مبین دوست و شرافتمندی که به مبین عزیزان عراق و خلق بزرگ عراق و امت عظیم عرب فکر می کنند !

نخستین صفحه ۱

سیاست باند دیکتاتوری حاکم کشور مارا به سوی جهنمی سوزان رهبری میکند ، خلق ما تاکنون هزاران نفر از فرزندان خود را در زندان ها ، دریای چوبه دار و زیر شکنجه و یا در میدان های جنگ ظالمانه علیه خلق کرد ما و جنبش آزادی بخش خلق عراق و علیه خلق همسایه ایران و انقلاب رهائی بخش آن از دست داده است عراق عزیز ما ، کمخستین کشور قوانین در عالم بود و نعمت های مادی به وفور در آن وجود دارد ، امروز در جنگال ترور و سرکوب وحشیانه قرار گرفته و مرگ و اندوه سراسر خاک مبین را در بر گرفته و خونریزی عمومی بطور همه جانبه ای گسترش یافته است . هم اکنون فراهم کردن ساده ترین ضروریات حیات و معیشت مانند سوخت ، برق ، خدمات و مسکن برای شهروندان عراقی با اشکال مواجه است و مهمتر از این ، خلق ما از امنیت و آسایش و زندگی شرافتمندانه ، به دور از هجوم و بورش ارگان های سرکوبگر و امنیتی ، که حیثیت و شرافت مردم را زیر پای می گذارند ، محروم است . این طاعون سیاه ، ارتش ما و فرزندان مخلص و شرافتمند آن را درگیر جنگ ظالمانه ای کرده ، که هدف آن خدمت به توطئه های امپریالیسم ، ارتجاع و صهیونیسم و علیه جنبش آزادی بخش ملی عرب و انقلاب ایران است و اساس آن بر فریب کاری ، دروغ ، تبلیغات

و رهبری طلبی دروغین قرار دارد . این جنگ ظالمانه که از ده ماه پیش آغاز شده ، هر روز جان صد ها نفر را در میدان های جنگ می گیرد و آنان یا محروم و علیل از این میدان ها یا زخمی گردند و یا اجسادشان از میدان های اعدام و سلول های امنیتی عراق تحویل میشود . این در شرایطی است که رژیم اجساد هزاران نفر از آنها را ، که کوچکترین اعتراضی کرده اند ، به همسران ، فرزندان و بستگانشان پس نمی دهد . آینده ای که در انتظار فرزندان شریف ارتش و توده های خلق عراق است ، آینده ای سیاه و پر از خسران و نابودی عمومی است .

تداوم حکومت باند فاشیستی حاکم بر شئون و مقدرات ارتش ما و خلق ما تا ثیر می گذارد و به آلام و رنج ها و زحمات آن می افزاید . هر روز که از عمر کوتاه دیکتاتوری حاکم و باند جنایتکار آن می گذرد ، خلق مبارز عراق شاهد مصیبت های بیشتر و خسارات جسمانی ، روحی و مادی بیشتری خواهد بود . خلق بزرگ عراق دارای مجدد و افتخارات انقلابی است . نیروهای سیاسی وطن دوست و ترقی خواه به مبارزه مسلحانه و غیر مسلحانه با رژیم خونخوار برخاسته و روز به روز صفوف خود را تحکیم بخشیده اند . این نیروها هر چه

بیشتر به تشکیل یک جبهه عمومی فراگیر برای سرنگونی حکومت دیکتاتوری و رهایی کشور از مرگ جمعی و سیاست سرکوبگرانه تروریستی و فاشیستی نزدیک می شوند و علیه جنایت رژیم نسبت به فرزندان این کشور و به هدر دادن امکانات و توانایی های مبین و غارت ثروت های ملی توسط باند جنایتکار حاکم متحد می شوند .

فرزندان غیور ارتش عراق !
- پیوند خود را با جنبش ملی خلق عراق و احزاب و نیروهای ترقی خواه ملی و انقلابی محکم کنید و فعالیت های خود را با آنان هماهنگ کنید .
- صفوف خود را از رجال مشکوک و عوامل جنایتکار رژیم دیکتاتوری و ارگان های سرکوبگر رژیم تصفیه کنید .
- به رزمندگان مبین دوست ، که در کوهها و دشت های کردستان می جنگند ، ملحق شوید .
- صفوف خود را منظم کنید و با اسلحه های خود علیه رژیم دیکتاتوری و باند جنایتکار آن به مبارزه برخیزید .
- پیروزی از آن خلق ماست !
- زنده باد برادری خلق و ارتش عراق برای سرنگونی دیکتاتوری حاکم !
۱۲ ژوئیه ۱۹۸۱
حزب کمونیست عراق

حجت الاسلام

هاشمی

انقلاب اسلامی نشان داده و بارها از اینجانب برای سقریه آن کشور دعوت کرده ، ولی سه علت گرفتاریهای موجود تاکنون نتوانسته بودم موفق به سفر به آن کشور شوم .
رئیس مجلس افزود که :
در این دیدارها مذاکراتی هم با مقامات کشورهای دوست خواهیم داشت که امیدواریم نتیجه بخش باشد .
در فرودگاه بیونگ یانگ ، پایتخت کره دیمکراتیک ، رئیس مجلس ، وزیر دفاع و معاون رئیس جمهور این کشور به همراه جمعیت کثیری از مردم ، از هیئت ایرانی استقبال کردند . در ضیافت شامی که شب بعد (۲۳ شهریور ماه) از طرف وزارت دفاع جمهوری دیمکراتیک خلق کره به افتخار هیئت ایرانی ترتیب یافت ، ابتدا پیامی از جانب دولت کره دیمکراتیک قرائت گشت . در این پیام از حمله آمده بود :
ما خیلی خوشحالیم که همکاری و روابط دوستانه بین دو کشور هر روز در حال تحکیم و گسترش در جهت اهداف مشترک دو کشور ، یعنی استقلال و مبارزات ضد امپریالیستی ملت های ماست . امروز مردم ایران تحت رهبری های صحیح رهبران انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، امام خمینی ، در حال مبارزه خیلی فعالانه در راه دفاع از استقلال کشور و ملیت خود هستند و علیرغم تمام باج خواهی ها و اشکالات متعددی که در سوی امپریالیست ها در سر راه پیشرفت آنان قرار می گیرد دولت ایران و مردم فعالانه در راه آزادی و استقلال نااشمی کنند . (اطلاعات ، ۶۰/۶/۲۴)

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز متقابلا در سخنرانی مشروعی ، از حمله گفت :
"از اینکه امروز در کنسرتی هستیم که از لحاظ جغرافیائی دور از خودمان ، ولی از لحاظ مبارزه با امپریالیسم نزدیک به ماست . خیلی خوشحالیم و از موضع بسیار مفید و موثر شما در جنگ تحمیلی صدام تکریبی علیه ایران اسلامی سپاسگزاریم و برای دولت و رهبران آن آرزوی موفقیت بیشتر داریم ."
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین با کیم ایل سونگ ، رئیس جمهوری دیمکراتیک خلق کره نیز دیدار و گفتگو کرد .

شرکت ایران در کنفرانس

سران جبهه پایداری

وزیر امور خارجه : از ایران بطور رسمی دعوت شده است تا به جبهه پایداری بپیوندد .
در تاریخ ۲۴ شهریور ماه وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ، آقای میرحسین موسوی

پاسخ حزب کمونیست فرانسه به زندانیان ایرلندی زندان لانگ کش

زندانیان ایرلندی خانم تاجر ، علیرغم کنترل پلیسی ، پیکر دوبازرسی های مداوم ، موفق شدند از داخل زندان پیامی خطاب به حزب کمونیست فرانسه بفرستند . این پیام با حروف ریز بر روی دستمال کاغذی نوشته شده و بوسیله تونی هیوز ، زندانی لانگ کش ، که برادرش پاتریک هیوز ، روز ۱۴ مهر ۱۳۵۹ ، بعد از ۵۹ روز اعتصاب غذا ، در گذشت ، امضاء شده است .
از رفقای ما بی ساندز به حزب کمونیست فرانسه
رفقا !
رفقای من همین یکی دو هفته جان خواهند داد . حیات و قساوت حکومت بریتانیا آنها را به مرگ محکوم کرده است . آنان به کمک شما محتاجند . ارچان آنان ، من این خواست فوری را مطرح می کنم .
بریتانیایی ها با اشغال مبین ما همواره کوسیده اند ، ناروچیه مردم ایرلند را در هم شکند . آنها عملا زبان و فرهنگ ما را نابود کرده اند . ما ناگزیریم ، در جامعه ای که برای مردم ما بیگانه است ، زندگی کنیم .
مبین ما از رهگذر شفاق و فرقه گرایی ، که خود کاسه و به منظور جدا کردن مردم ما از یکدیگر از سوی آنان دامن زده می شود ، تکه تکه شده است . بیگاری ، تبعیض و قوانین جا برانه تنها "مواهی" است که مردم ما به برکت اشغال بیگانه بدست آورده اند . اما

بریتانیایی ها ، نسل از پس نسل ، با روح مقاومت مردمی روبرو شده اند که سر تسلیم ندارند مردمی که با وجود حرمان خویش ، همچنان علیه جباران به مبارزه ایستاده اند .
بریتانیایی ها به نوبه خود همواره کوشیده اند ، تا مردم ایرلند را ، که برای آزادی می جنگند ، تنهکار و جنایت پیشه معرفی کنند . باورکردنی نیست که حق مشروع یک خلق زیر ستم برای مبارزه علیه ستم پیشگان ، به جنایت تعبیر شود !
آنها در اول مارس ، ۱۹۷۶ ، با لغو وضع ویژه ای که "وضع سیاسی" نامیده می شد و به ما یعنی جمهوری خواهان زندانی ، اطلاق می شد ، نوطه دیگری تدارک دیدند . آنها گمان می کردند که در نهایت به آنان اجازه خواهیم داد انگ تنهکار بر ما بزنند . ولی ما تنهکار نیستیم و هیچیک از ما هرگز به این تنگ تن در نخواهد داد .
ما از پوشیدن لباس زندان و تهیه غذای زندان سرباز زدیم . این سر آغاز اعتراض پتوی ما بود (از آن پس پتو تنها پوشش زندانیان شد - مترجم)
از آن جاکه ما از پذیرش این شیوه امتناع ورزیدیم ، ما را مجبور کردند ، ساعت ها و روزها ، در سلول هایی که به گور می مانست ، به سر بریم . با وجود همه این تضییقات و ستم پیشگی مستمر زندانیان ، متحد و مصمم هستیم و اعتقاد راسخ داریم که گام مهمی را که برداشته ایم ، بی تردید برای همیشه به این وضع دهشتناک پایان خواهد بخشید و خواست قانونی به رسمیت

کرده ایم ، ما از مبارزه جبهه پایداری بر علیه صهیونیسم و طرح های نظیر کمپ دیوید حمایت کامل می کنیم ، که این حمایت فقط جنبه حرف ندارد ، بلکه ما می خواهیم به صورت فعال در این زمینه شرکت داشته باشیم و فعلا نیز در این کنفرانس به عنوان ناظر و کشوری که قویا از این جبهه حمایت می کند ، شرکت خواهیم کرد .
در مورد احتمال بستن قراردادهائی بین ایران و لیبی گفت :
در آنجا به عنوان یک مقام رسمی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران و با توجه به قانون اساسی و در حدود وظایف یک وزیر امور خارجه اقدام خواهیم کرد .
کاردار سفارت لیبی در تهران نیز ، که برای بدرقه وزیر امور خارجه به فرودگاه مهرآباد آمده بود ، در یک گفتگوی کوتاه با خبر نگار خبرگزاری پارس در مورد کنفرانس جبهه پایداری در لیبی اظهار داشت :
"با توجه به اینکه منطقه با بحران ها و

زندانیان تبدیل به گورستان نخواهد شد !

شناختن ماهه مشابه زندانیان سیاسی تحقق خواهد یافت .
ما از قساوت و خیانت حکومت بریتانیا کاملا باخبریم ، اما از اشتباه خود درس گرفته ایم . پس از ۵۳ روز رنج دهشت انگیز ، هفت تن از رفقای ما به اعتصاب غذای خود پایان بخشیدند و اطمینان حکومت بریتانیا را دایر بر به رسمیت شناختن خواست های ما پذیرفتند . تنها آنگاه بود که دریافتند به وسیله بیانات ریشخند آمیز و توپندهای دغلاکارانه فریب داده شده اند .
این بار ، رفقا ، مانده در برابر نیرنگ و نه وعده و وعیدها سرفرود نخواهیم آورد و تا تحقق همه خواست هایمان به اعتصاب غذا ادامه خواهیم داد . این بار ، ما خواستار موافقت کامل ، صریح و روشن هستیم .
و به این ترتیب ، رفقا ، من اکنون به شماروی آورده ام ، تا ما را یاری کنید . همگان را از پشتیبانی خود باخبر سازید ، تا توده ها به خیابان ها سرازیر شوند ، زیرا تنها با این واکنش همگانی است که ، بازو به بازوی شما ، می توانیم قساوت رژیم راست گرای تاجر را ، که میگوید ، "بگذار بمریند" ، در هم شکیم .
برادر شما تونی هیوز
در پاسخ این نامه ، "کمیته دفاع از آزادی ها و حقوق بشر" حزب کمونیست فرانسه ، که زیر نظر بقیه در صفحه ۷

توطئه های گوناگون امپریالیسم روبروست ، جبهه پایداری به منظور مبارزه و یا جلوگیری از چنین توطئه ها ، برپائی یک اجلاس را لازم دید و از ایران نیز ، که در این مسئله با آنها اشتراک نظر دارد ، برای شرکت در این اجلاس دعوت کرده است . (جمهوری اسلامی ، ۶۰/۶/۲۵)

اتحاد مردم - ماسفر رئیس مجلس شورای اسلامی را به جمهوری دیمکراتیک خلق کره و سفروزی پرامور خارجه رای لیبی برای شرکت در اجلاس "جبهه پایداری" ، بعنوان گام های مهم و مثبتی در جهت تحقق اهداف ضد امپریالیستی انقلاب ایران در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی میکنیم و امیدواریم که پیوند دوستی و همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی در مبارزه برضد دشمن مشترک امپریالیسم و صهیونیسم ، به سرگردگی آمریکا - روزه روزگسترش یابد و تحکیم گردد .

اجرای اصلاحات ارضی بنیادین برای انقلاب بزرگ ایران

سرنوشت ساز است (بقیه)

انقلاب ایران و حل مسئله ارضی

این بیان انقلابی و این فتوای حکیمان قبل از هر چیز مسئولیت خطیر انقلاب بزرگ ما را در اجرای هر چه زودتر و قاطع تر اصلاحات ارضی بنیادین تاکید می کند.

مسئله اصلاحات ارضی بنیادین به سود دهقانان کم زمین و بی زمین، در جهت ریشه کن کردن استثمار بزرگ مالکی و سرمایه داری بزرگ ارضی و به منظور واگذار کردن زمین و آب و وسایل کشت و کار به دهقانان زحمتکش مسائلی است سرنوشت ساز و حیاتی. مسائلی که هر گاه با قاطعیت انقلابی و به گونه ای کامل، همه جانبه و هماهنگ حل نشود، نه تنها انقلاب ایران را در نیمه راه متوقف خواهد کرد و به بن بست خواهد کشید، که همه دستاوردهای آن را نیز با خطرهای جدی روبرو خواهد کرد.

چنین اصلاحات بنیادین ارضی می تواند و باید بر همه شئون زندگی انقلابی ما تاثیر مثبت پس بزرگی بگذارد.

اصلاحات بنیادین ارضی در امر توسعه اقتصادی و وظیفه اساسی دوگانگی را برعهده دارد:

- ۱) توزیع مجدد درآمد و ثروت به سود توده های میلیونی زحمتکش،
 - ۲) افزایش بهره وری و تولید در جهت نیل به خودکفایی و تحکیم مبانی استقلال ملی.
- از نظر اجتماعی، اصلاحات ارضی بنیادین می تواند و باید نتایج مهم زیرین را به بار آورد.

تغذیه میلیونها خانواده روستایی، که دستخوش بی غذایی مزمن هستند، جبران عقب ماندگی غیر قابل تحمیلی که قرنهای حاکمیت فئودالی و در پی آن سلطه سرمایه داری حریص وابسته - به آنان تحمیل کرده است، تامین امکانات رفاهی در زمینه آموزش و فرهنگ و بهداشت و درمان و مسکن و هر آنچه لازمه یک زندگی مرفه و متمدن است.

با چنین اصلاحاتی است که عمران و آبادانی روستاها به رشد شتاب آمیزی دست خواهد یافت، و بالاخره ریشه ظلم و ستم و غارتگری بزرگ مالکی و استثمار بیرحمانه سرمایه داری بزرگ ارضی از روستاها رخت خواهد بست.

از نظر سیاسی نیز، اصلاحات ارضی بنیادین فضای تنفسی برای توده های میلیونی روستایی و عشایر بوجود می آورد، که در جوانی امکان می یابند برپای خود بایستند و در سر - نوشت خود مداخله و مشارکت داشته باشند.

اما چنانکه معلوم است، برخورد انقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران با مسئله ارضی، سطوحی را بسیار فراتر از آنچه بیان شد، در بر می گیرد:

انقلاب بزرگ ما قبل از هر چیز حامل رسالت تاریخی ویژه ای است که هدف آن، رهائی کشور از قید اسارت امپریالیسم خارجی و عوامل داخلی آن است. با چنین ابعادی است که باید مسئله ارضی مورد توجه انقلاب قرار گیرد. حل مسئله ارضی، یعنی نابودی کامل پایگاه امپریالیسم در کشاورزی، در اقتصاد روستایی و در روستاهای ایران، یعنی ایجاد ارتش میلیونی از روستاییان و روستازادگان زحمتکش انقلابی، یعنی جلب هر چه بیشتر و پیر - شتاب تر توده های دهقانان به صفوف فشرده انقلاب، به مبارزات ضدامپریالیستی و مبارزه در راه اعتلای فرهنگی و تامین استقلال ملی. از این قرار، حل مسئله ارضی در انقلاب بزرگ ایران، اگر به گونه ای باشد که نتواند به چنین نتایج اساسی دست یابد، نمی توان آن را پاسخ گوی انقلاب دانست.

دولت موقت و مسئله ارضی

انقلاب بزرگ ایران در همان سپیده دم پیروزی می توانست و می بایست به رسالت تاریخی خود عمل کند و به ندای حق طلبانه دهقانان زحمتکش پاسخی شایسته گوید و زمین و آزادی و زندگی بهتر توأم با خوشبختی را به آنان و به فرزندان آنان نوید دهد. اما متأسفانه چنین نشد. دولت موقت با امپریالیسم همه رجا - لیم های سرسپرده آن سرسازش داشت. این دولت لیبرال بر آن بود، تا سلطه مجدداً امپریالیسم و نهادهای داخلی آن را کاملاً به گام برقرار سازد. با این هدف، چنین دولتی نمی توانست جز بسود زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته قدیمی - بر - دارد و جز به زیان دهقانان زحمتکش راهی

«اربابان غالباً دلیلی بر ملکیت جز سند قلابی و تصرف عدوانی نداشته و یا آنقدر ظلم از طرف ارباب شده و اموالی از کشاورزان گرفته اند، که کشاورزی می تواند زمینها را بابت طلب خود از ارباب تملک نماید، چه بسا در مواردی لازم باشد پولی که بابت بهای ملک از کشاورز گرفته شده به او پس داده شود.»

«امام خمینی»



بپیماید. چنین بود که دولت موقت به حقوق دهقانان ایران و به سرنوشت زحمتکش خجالت کرد و بدینسان به انقلاب لطمه سنگینی زد. علی محمد ایزدی، وزیر کشاورزی دولت موقت، که مدتها بود "فکر می کرد با مهاجرت به آمریکا - تواند سرمایه و امتیازی برای آنجا باشد"، با گستاخی هر چه بیشتر زمینداران و سرمایه داران غارتگر را بر روستاها مسلط می ساخت و هرگونه حق طلبی دهقانان را "تجاوز به حقوق دیگران"، "تصرف عدوانی" و "اقدامی مخالف اسلام" و نامرد می کرد. او برای تحکیم هر چه بیشتر سلطه غارتگران بر روستاها هر روز قانون و تصویب نامه های ضد دهقانی و ضد انقلابی به تصویب شورای انقلاب می رساند، و با رسوایی آشکاری - کوشید، تا آثار شوم "اصلاحات ارضی" امپریالیسم پسند شاه ملعون را تنفیذ و تثبیت کند.

دهقانان آمدند

با اشغال لانه جاسوسی آمریکا، دولت موقت از صحنه انقلاب ایران بیرون رانده شد و، به گفته امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، انقلاب وارد مرحله ای بزرگتر از مرحله اول گردید. جوش و خروش انقلاب به دهقانان زحمتکش نیز، چون سایر زحمتکشان ایران، امکان داد که باره پیمایی - ها و تظاهرات گسترده خود در شهرها و روستاها، خواسته های خود از انقلاب ایران را در مقیاسی وسیع مطرح کنند. در تظاهرات بزرگی که هزاران دهقان، از زن و مرد، با بیل و داس و تراکتور، جلو وزارت کشاورزی برگزار کردند، خواسته های دهقانان یکبار دیگر وسیعاً بازتاب یافت. دهقانان، که از جلو جاسوخانه آمریکا به جلوزارت کشاورزی آمده بودند، قطعنامه ای را خواندند که در آن، از جمله آمده بود:

مبارزه با امپریالیسم بهره ریزی امام خمینی باید تا پیروزی کامل ادامه یابد، پایگاه های جاسوسی و نفاق افکن درهم کوبیده شود، ریشه های بزرگ مالکی قطع گردد و زمین به دهقانان داده شود.

دهقانان در قطعنامه خود اعلام کردند که در راه انقلاب ایران آماده همه گونه فدا - کاری هستند.

در پی این تظاهرات باشکوه تاریخی، که در چهارم دیماه ۱۳۵۸ اروی داد، دهقانان زحمتکش در سراسر کشور به جنبش درآمدند. این گونه تظاهرات و راهپیمایی ها در سراسر زمستان آن سال در بسیاری از شهرها و روستاها تکرار شد و ادامه یافت. چه بسا در سرما و یخبندان زمستان، دهقانان ایران از روستاهای دور دست، با پای برهنه، و در مواردی کفن - پوش، خود را به جاسوخانه آمریکا و از آنجا به وزارت کشاورزی می رساندند و در اجتماعاتی که هر روز در آن محل برگزار می شد، خواسته های خود را بازمی گفتند، و هواداری قاطع خود را از انقلاب ایران و از رهبر عالیقدر آن اعلام میکردند.

مسئله واگذاری زمین به دهقانان وارد مرحله ای تازه شد. شورای انقلاب اسلامی ایران با درک بیشتر ضرورت های انقلاب و لزوم حل مسئله ارضی دست به کار شد. موضوع واگذاری زمین به دهقانان و محور ریشه های فئودالیسم در برنامه کار قرار گرفت.

شورای انقلاب و مسئله ارضی

در دیماه ۵۸، یعنی همان ماهی که دهقانان وسیعاً خواسته های خود را اعلام کرده بودند، شورای انقلاب طرحی را که با واقع بینی تنظیم شده بود، تصویب کرد. اما این طرح از همان دقایق نخستین تولد خود با مخالفت های توطئه گرانه زمینداران بزرگ و لیبرال ها - که در شورای انقلاب نیز مواضع

گام به تشکیل هیئت های هفت نفری مامور واگذاری زمین به دهقانان و استقرار آنها در مناطق مختلف کشور اقدام کرد. این هیئت ها در بهار ۱۳۵۹ به تدریج در محل ماموریت خود استقرار یافتند.

حضور این هیئت ها و مداخله مستقیم آنان در حل مسئله ارضی، و نیز وجود سایر نهادهای انقلابی در روستاها، موجب می شد که انقلاب به روستاها گام گذارد. جمعیت های دهقانی و مواضع انقلابی آنها در روستاها تقویت می شدند و متقابلاً گروه بندی های ضد - انقلابی زمینداران بزرگ روبه ضعف می نهادند از اختلافات محلی کاسته می شد، گروهک های خرابکار از روستاها رانده می شدند، توطئه های ضد دهقانی مکرر عناصر فئودالی درهم شکسته می شد، توطئه های معطوف به متوقف کردن تولید خنثی می شد، بخشی از اراضی موات به کشتزارها و به اراضی دایر و مزارع آباد مبدل می شد، چاهها و قنات ها حفر می شد یا مرمت می یافت، اشتغال افزایش می یافت و از دامنه مهاجرت ها کاسته می شد، پرورش فرهنگی توده های روستایی در دستور روز انقلاب قرار می گرفت، دهقانان بیش از پیش متحد و مشکل می شدند و شوراهای مردمی و اسلامی در روستاها رونق می یافت. هیئت هفت نفری، در کنار سایر نهادهای انقلابی، به کانون قدرت سیاسی و پرورش انقلابی توده های روستایی مبدل می شدند و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می رفت که با قاطعیت در روستاها استحکام پذیرد و انقلاب به دستاوردهای بازمه بیشتر دست یابد.

همه اینها کافی بود تا ضدانقلاب - و در درجه اول زمینداران و سرمایه داران بزرگ ارضی و همدستان آنان - چنین نهادی را غیر قابل تحمل ببینند. این تحمل ناپذیری ضدانقلاب به ویژه از آنجا حادث یافت که می دید هیئت های هفت نفری صمیمانه و با قاطعیت انقلابی در اجرای قانون - و در حقیقت در ریشه کن کردن بزرگ مالکی در روستاها - تلاش می کنند و در مواردی از هیچ فداکاری نیز دریغ ندارند. این هیئت ها تا آنجا که می توانستند زمینهای مصادره شده اراضی بایر و دایر و موات را طبق قانون به دهقانان واگذار می کردند، در انتخاب شورا - های اسلامی ده و تعیین نماینده دهقانان - زمین و کم زمین تلاش می کردند. به دهقانان وام و وسایل کشت و کار واگذار می کردند، آنها را در تشکیل تعاونی های تولید (مشاع) کمک و راهنمایی می کردند و حتی اراضی مستعد کشت را، که زمینداران بزرگ رها کرده بودند، به سود دهقانان و به نفع تولید زیرکشت می بردند و در تنظیم برنامه کشت و وظایف و مسئولیت های را برعهده خود می دانستند.

توقف "بندج"

موقوف شدن موقت اجرای "بندج" قانون واگذاری زمین در پائیز ۱۳۵۹، از یک رشته توطئه برضد چنین تحولاتی ریشه می گیرد. ارتجاع فئودالی و بزرگ مالکی دیگر نمی توانست تاب آورد. توطئه ها و دسیسه ها و شایعه پراکنی ها و نفاق افکنی ها و ویران سازیها و حیل و گریه ها با مقیاسی گسترده تر از پیش در گرفت.

زمینداران و سرمایه داران بزرگ ارضی از روز اول پیروزی انقلاب به همه وسایل دست می زدند، تا مگر مخالفت با اصلاحات ارضی بنیادین را به درون جامعه انقلابی بیرون ندهند. آنرا هر چه وسیعتر فراهم سازند، نمونه هایی از اقدامات ضد انقلابی آنها را در فارس، ترکمن صحرا، خوزستان و کردستان می توان یافت. آنها در هر جا که توانستند، با کمک عناصر ضد انقلاب و گروهک های آمریکایی و چپ روان انقلابی ماب مسئله زمین را بهانه جنگ های خونین قرار دادند، به اختلاف های قومی دامن زدند، زمینهای کوچک را تقسیم کردند، در نقاطی مانند ترکمن صحرا، که عناصر غیر بومی و زحمت - کشان مهاجر با همکاری افراد محلی کشت و کار می کردند، چندین هزار خانواده دهقانان سیستمی و بلوچ را از خانه و کاشانه شان بیرون راندند و در عین حال زمینهای وسیع سرمایه داران و زمین داران بزرگ را همچنان باقی گذاشتند.

پس از تصویب قانون و استقرار هیئت های هفت نفری، اردو کشی ضد انقلاب در روستا - هاشد و گسترش بی سابقه ای یافت. عده های از مالکان متن قانون را جعل کردند و بر آن تاختند و قانون و مجریان آن را به باد تهمت و ناسزا بردند. در صفحه ۱۵

خود را تقویت کرده بودند - مواجه شد و لاجرم سکوت ماند. در اسفند همان سال لایحه قبلی بالاخره به تصویب رسید، اگرچه در آن برخی از خواسته های ضد انقلابی و ضد دهقانی ارتجاع بزرگ مالکی به گونه ای انعکاس یافته بود. با اینحال نکته عمده در آن فراهم آمدن زمینه الغای بزرگ مالکی بود.

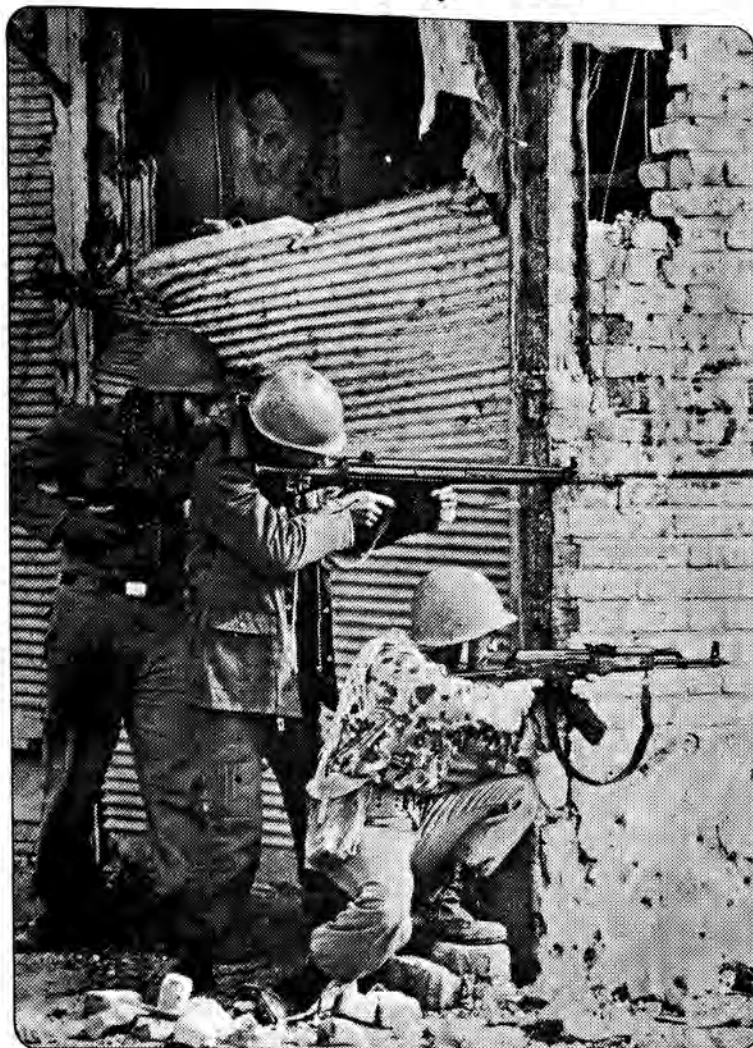
این قانون، به همین جهت مخالفت سخت و گسترده و همه جانبه زمینداران بزرگ و لیبرال - ها و حامیان کوچک و بزرگ آنان را برانگیخت. مخالفان برای جلوگیری از اجرای آن موضوع "غیر شرعی بودن قانون را پیش کشیدند، تا بدینسان کار را به بن بست بکشانند.

امام خمینی رهبران انقلاب، که به حق دلیلی بر ملکیت غالب اربابان "جز سند قلابی و تصرف عدوانی آنان نمی بینند و به درستی بالاترین سند را در دست های پینند - بسته دهقانان می شمرند. برای خنثی کردن توطئه ضد انقلاب، که از سودجویی اربابان ریشه می گرفت، طرح مصوب شورای انقلاب را به هیئت ائمه فقهای برجسته آیت اله منتظری، آیت اله شهید دکتر بهشتی و آیت اله مشکینی - ارجاع کردند که آن را رسیدگی کنند و در مورد انطباق آن با موازین شرعی اعلام نظر کنند. این هیئت طرح را رسیدگی کرد. طرح با اصلاحاتی که در آن به عمل آمد، از هر جهت مطابق با موازین شرع اسلام تشخیص داده شد. در تاریخ ۲۶ فروردین ماه ۵۹، طرح تأیید شده از جانب فقهای شرع، با اصلاحات مورد نظر، به تصویب شورای انقلاب اسلامی ایران رسید و مشروعیت قانونی و شرعی یافت و برای اجرا ابلاغ شد.

هیئت های هفت نفری

در پی تصویب این قانون، ستاد مرکزی واگذاری زمین، متشکل از نمایندگان وزارت کشاورزی، حاکم شرع، وزارت دادگستری، جهاد سازندگی و وزارت کشور در تهران تشکیل شد و کار خود را آغاز کرد. ستاد در نخستین

سلام بر شهیدان جنگ! درود بر رزمندگان جبهه‌ها!



سوسنگرد، شهر خون و آتش‌سوزی از چند محاصره و اشغال نیروهای بعثی بالاخره به تصرف رزمندگان انقلابی مادر آمد این پیروزی را با نشان رفتن به قلب دشمن پاس میدارند

آمریکا، می‌بیند، امروز که انقلاب ادامه دارد، این همه را مدیون رزمندگان جبهه‌هایم. انقلاب امروز بی‌پاس آن کارگر بر-یاست، که در جبهه و پشت جبهه، با مسلسل و چکش، با رزم و تولید، به نبرد خون و حیات می‌دهد. انقلاب امروز بی‌پاس آن دهقان زنده‌است، که در سنگر و مزرعه، با دستی شاد و در کوره کوربی می‌خیزد. در ایستگاه

بخاک افتادند. پس بگذار، همه جوانان یک‌نوازه شهیدان جنگ سلام کنیم و ستایش خلق را نثار ارواح شعله‌ورشان کنیم. بگذار با آن کودک سیزده‌ساله، که بر کمر خویش نارنجک بست و خود را به زیرتانگ دشمن انداخت، بگذار با آن پیرزن، که دشمنان به جوخه‌اش عداوتش بستند، بگذار با آن پاسدار، که داوطلبانه پاروی مین گذاشت، بگذار با آن کارگر، که با مقاومت خویش راه دشمن را سد کرد، بگذار با آن دهقان، که گفت یا پیروز به خانه برمی‌گردم، یا شهید، بگذار با آن تکاور، که در خونین-شهر اشغالی به قلب دشمن زد، بگذار با آن دختر، که فرمانده حمله به اشغالگران گمرک خونین شهر بود، بگذار با همه آن شهیدان، که آنقدر از نشان خون‌بارید، که خرمشهر سراپا خونین شد، بگذار با آن شهیدان، که در نخلستان-های خوزستان را با خون خود آب دادند.

بگذار با آن دلاوران، که خوشان کارون و کرخه را طوفانی کرد، بگذار با همه شهیدان جنگ پیمان ببندیم، که راهشان را تا آخرین نفس ادامه خواهیم داد. بگذار میثاق خود را با شهیدان جنگ تجدید کنیم و به گوش آسمان بانگ زیم، که هر جنگاور شریفی که در جبهه از پا درآید، صد نفر جایش را بپروراند. هر تفنگ که بر خاک بیفتد، صد دست آن را بپروراند. هر چرخه‌ای که در خون غرق شود، همچنان به سرفرازی به اهتزاز در خواهد آمد. بگذار فریاد کنیم: سلام بر شهیدان جنگ! * * * امروز که ما برپائیم. امروز که انقلاب زنده است، امروز که خلق تدارک نبرد دیگری را با دشمن اصلی خویش، امپریالیسم جهانی، بسر کردگی

در خزان که می‌رسد، گلوله دشمن بردش‌های سوزان جنوب، در کوه‌هایه-های غرب، در سراسر جبهه-نبرد، لاله‌های می‌روانند. لاله‌هایی که بر خاک ریختند و زمستان جنوب را بهار کردند، امسال هم همه رنگهای خزان را در خون خویش تطهیر می‌کنند، تا همه فصل‌های تبا بهار و همه ویرانه‌ها گلستان شود. این خزان دوم است که بهترین فرزندان خلق با آغوش باز به استقبال مرگ می‌روند، تا از زندگی مردم خود، از میهن انقلابی خود دفاع کنند. این خزان دوم است که زندگی بر شانه مرگ با می‌گذارد و شهیدان بهترین پاسداران زندگانند. با اولین روز پائیز، دومین سالنی آغاز می‌شود که کارگر و بزرگ، روشنفکر و بیسواد، شهری و روستایی، زن و مرد، پدر و فرزند، شانه به شانه هم، از سراسر ایران، با هر عقیده و مسلک، به صف مقدم جبهه می‌شوند. هدف آنها یکی است: دفاع از انقلاب ایران و دفع متجاوز به میهن انقلابی به هر قیمت که هست. در این میان، جان تا آنجا به کار می‌آید که راه را بر دشمن ببندد. این نبردی است برای پیروزی، چه ناک که بهای آن شهادت باشد. خلق قدم به قدم می‌رزمند که پیروز شود. می‌رزمند که انقلاب را از گزند امپریالیسم متجاوز کار، از دستبرد شیطان بزرگ آمریکا حفظ کنند، چنانکه رسم اوست هر بیانی را برای پیروزی می‌پردازد، حتی بعد جان را. می‌رزمند تا زنجیرهای استعمار و استثمار را از گردن باز کنند، و در این رزم خونین هر چه هست، هم‌پایان و فداکاری است. امروز که ما برپائیم، به بهای آن خون‌هاست که بر خاک ریخت، قیمت آن جان‌های ارجمند است که در جبهه‌ها نثار شد، خون‌های آن قهرمانان گمنام است که با فریادهای: - مرگ بر آمریکا! - درود بر خمینی!

هفت یا خیمه تکه تکه می‌شود و در هویزه به دشمن حمله می‌برد. و در سراسر سنگرها به خاک می‌افتد و در همه سنگرها با خروش پیروشی می‌برد. و امروز که ایران و انقلاب بر-یاست، به بهای جان آن دلاورانی است که با فریاد های: - مرگ بر آمریکا! - درود بر خمینی! به دشمن متجاوز پیروشی می‌برند. بگذار با آن نوجوان سپاهی که در ارتفاعات الله اکبر می‌رزد، بگذار با آن کارگر، که در خونین شهر می‌جنگد، بگذار با آن پاسدار، که در آبادان با جنگ و دندان از انقلاب و میهن دفاع می‌کند، بگذار با آن دهقان که در نخلستان-های جنوب می‌خروشد، بگذار با آن نوعروس، که به جبهه می‌رود، تا جای شویش را پر کنند، بگذار با آن مادر، که پسران دیگرش را برای نبرد به جبهه می‌فرستد، تا جای برادران خود را پر کنند، بگذار با همه دلاوران خلق، که با عقاید و مسلک‌های گوناگون در کنار هم می‌رزمند، پیمان ببندیم، که تا آخرین نفس همراه آنها خواهیم بود.

بگذار میثاق خود را با آنها تجدید کنیم و صدادر صدایشان بیندازیم و فریاد کنیم که: - دلاوران جبهه‌ها ما با شما هستیم. اکنون همه ایران سنگر است. ما مردان و زنان ایران صف در صف ایستادیم، تا دوشادوش شما در سنگر بایستیم. ما با شما پیروز یا باز خواهیم گشت، تا ایران مستقل آزاد و آباد باشد. - درود بر رزمندگان جبهه‌ها!



عموم سام دنیا را این طور می‌خواهد!

نطق امام خمینی - انقلاب اسلامی (آری، توده‌های خروشان خلق به خیابان ها آمدند و با فریاد "مرگ بر بنی صدر، مرگ بر آمریکا" در عمل توطئه رفتن دوام جبهه متحد ضد انقلاب را نقش بر آب کردند و بدینسان بود که بنی صدر، که می‌گفت: "... ما را از محاکمه نترسانید، این محاکمه خود انقلابی در تاریخ ایران است..." (۹ خرداد ۶۰ - انقلاب اسلامی) در دادگاه خلق محکوم گردید. حکم این بود: "مرگ بر بنی صدر، مرگ بر آمریکا!" * * * این حکم مردم را در مورد یک بنی صدرها، آن‌ها که شناخته شده‌اند و آن‌ها که هنوز نقاب از چهره برنگرفته‌اند، اجرا کنید: مرگ بر بنی صدر، مرگ بر آمریکا!

کارنامه ابوالحسن...

بقیما: ۳ صفحه فعالیت ضد انقلابیون، مطلبی درباره سازمان - دهی و تشکیلات در روزنامه خود منتشر کرد و طی آن خواستار آن شد که: "... افراد فعال بکوشند که این سازمان و نظم (ضد انقلابی) را در متن جامعه تعمیم دهند ... (انقلاب اسلامی)

پایان کار

هنگامیکه "انقلاب اسلامی" اعلام کرد که: "... موج نا آرامی چند شهر را فرا گرفت." (۱۹ اردیبهشت ۶۰) بنی صدر پیشنهاد کرد: "... سالمترین راه بدون بحران این است که همه موافقت بکنند به مردم مراجعه کنیم و برای عمومی آنچه باید بشود، بشود... مردمند که باید راضی باشند، اگر راضیند که ما حرفی نداریم، اگر ناراضیند که در این صورت من گمان نمی‌کنم که مردمی که ناراضی‌ت بی خودشان را در زمان رژیم سابق نشان دادند حالا از این چیزها بترسند. بالاخره یک روزی ناراضی‌ت خودشان را نشان خواهند داد... (۱۳ خرداد - بهشت ۶۰ - انقلاب اسلامی - از مصاحبه بنی صدر) و آخر هم اینکه: "... رئیس جمهور (بنی صدر) در پاسخ به شایعه استعفاء خود گفت: درخت را اره می‌کنند، خودش نمی‌افتد... (۱۵ خرداد ۶۰ - از مصاحبه بنی صدر - انقلاب اسلامی) و این درختی که ریشه‌اش گندیده بود و سر در منجلاب امپریالیسم آمریکا داشت، بریده شد، بدست مردم و از زبان رهبر، امام خمینی: "... غلط می‌کنی قانون را قبول نداری، قانون تو را قبول ندارد... ملت شخص پرست نیست... این معناها را از گوش‌هایتان بیرون کنید آقایان که این مردم دیگر از جمهوری اسلامی کنار رفتند. خیر شما کنار رفتید... شما به بن-بست رسیدید. اشتباه می‌کنید، مملکت اسلام که به بن بست نمی‌رسد..." (۷ خرداد ۶۰ -

اجرای اصلاحات...

بقیما: ۳ صفحه انجام اجرای بند "ج" را متوقف ساختند. توقف بند "ج" همان بود و گسترش بی - سابقه دامنه یورش‌ها و کشتارها و غارت های اربابان همان. با توقف بند "ج" یکبار دیگر غاصبان و غارتگران بر سر نوشت روستاییان تسلط یافتند.

هیچ عذری پذیرفته نیست

با این همه، هیچ نیرویی نمی‌توانست از پیشرفت انقلاب جلوگیری کند. شکست توطئه بنی صدر و باند او و حضور مردم در صحنه انقلاب، روند انقلاب را به مرحله سوم خود وارد کرد. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در سخنان خود هنگام تکمیل انتخاب شهید محمد علی رجایی به ریاست جمهوری اسلامی ایران و نیز در مراسم معرفی کابینه شهید دکتر محمد جواد یاهر، بار دیگر تاکید کردند که مجلس و دولت باید بموضع مستضعفان رسیدگی کنند و نیازهای آنان را برآورند، زیرا که دیگر هیچ عذری پذیرفته نیست. هر چند، با تاسف بسیار، رجایی و باهنر دیگر در میان مردم انقلابی و همیشه در صحنه ایران نیستند و آمریکا جنایتکار با دست ضد-انقلاب داخلی این دورجل پیرو خط امام را به شهادت رساند، اما انقلاب ایران، صرف نظر از افراد و اشخاص که در راس دولت‌ها باشند، هم-چنان به پیش می‌تازد و همه توطئه‌ها را با شکست مواجه می‌سازد، بشرط آن که به همه مسئولیت‌های خود واقف باشد و بدانها عمل کند. انقلاب ایران اگر برنامه‌های بنیادین اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خود را با موفقیت به‌مورد اجرا گذارد، دیگر هیچ خطری نمی‌تواند بر آن کار-ساز باشد. چنین است که اجرای اصلاحات ارضی بنیادین برای انقلاب ایران سر نوشت ساز است. چنین اصلاحاتی نمی‌تواند بیش از این به تاخیر افتد. ادامه دارد.

کارتون

گرفتند، که زمینها را خرید کرده‌اند، تولید را کاهش داده‌اند، هرج و مرج به راه انداخته‌اند، امنیت کشور را متزلزل ساخته‌اند و... آنان قانون اصلاحات ارضی را مخالف شرع و مخالف قانون اساسی و نمود می‌کردند، در حالیکه، اولاً فقهای برجسته آن را تأیید کرده بودند و حتی آیت‌الله منتظری صریحاً اعلام کرد که بند "ج" برخلاف شرع نیست، ثانیاً این قانون از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصول ۴۳، ۴۶ و ۴۷ و ۴۹ الهام پذیرفته است. آنان، همه عوامل طبیعی، سیاسی و اقتصاد موثر در کاهش تولید در مناطقی از کشور را - دیده گرفتند و با جعل آمارها و ارقام چنین‌وا- نمود کردند که هیئت‌های هفت نفری مسئول کاهش تولیدند. آنان حتی وقیحانه اعلام کردند که گویا آیت‌الله منتظری و مشکینی فتوای شرعی خود را در تائید قانون پس گرفته‌اند، ولذا قانون دیگر شرعیست ندارد، در حالیکه همه روزه قاطعیت آقایان فقها در تائید این قانون در همه سخنان آنها بازتاب می‌یافت. مخالفان اصلاحات ارضی از یک طرف به روحانیان طرفدار خود فشار وارد می‌کردند که از تنفیذ احکام نمایندگان حاکم شرع در هیئت-های هفت نفری خودداری کنند. و از طرف دیگر فریاد برمی‌آوردند که در این هیئت‌ها نماینده حاکم شرع حضور ندارد و لاجرم آرای آنها مشروع نیست. ولی حقیقت این است که از مجموع ۳۴ هیئت در همه ایران، فقط در سه یا چهار هیئت در فارس، نماینده حاکم شرع غیبت داشت. بدینسان وضعی بوجود آوردند تا سر -

ضرورت جذب

بقیه از صفحه ۱

تردید نیست که به نیروی انسانی متبحرو کارآمد نیاز داریم، تا نظام اقتصادی بالنده و شکوفائی را، که ظرفیت بهره گیری از آخرین دستاوردهای دانش و فن بشری را بالقوه دارا باشد، بنیاد نهاد و رو به رشد برد. تنها در این صورت است که می توانیم رسته های وابستگی به امپریالیسم را به تمامی بگسلیم و به استقلال اقتصادی در همزمانی با دست یابیم، تا انقلاب نقش سیاسی خود را در ایران و جهان به گونه ای موثرتر ایفا کند.

برنامه ریزی اقتصادی مستقل چنانکه گفته شد، نیاز به کادر انسانی کارآمد و آموخته دارد. بخشی از این نیروی انسانی هم اکنون در اختیار ماست و بخش بزرگتری را باید پرورش دهیم. نیروی منحصص موجود هم در داخل کشور است و هم در خارج از کشور. از آنچه در داخل است، متأسفانه بعلمت مواضع انحصار طلبانه و تعصب آمیز بخشی از حاکمیت، استفاده لازم بعمل نیامده و عسدهای از متخصصان مومن به انقلاب، به بهانه مکتبی نبودن، به خانه ها فرستاده شده اند. باکمال تأسف باید افزود که قانون سازان موصوب مجلس شورای اسلامی نیز در همین جهت است و در صورت اجرا، بقایای متخصصان دگراندیش نیز از ادارات و موسسات تولیدی بیرون ریخته خواهند شد.

نکته شایان توجه در این زمینه آنست که وظیفه خدمت به انقلاب و دفاع از دستاوردهای انقلاب تقسیم پذیر نیست و نمیتوان آن را به گروهی واگذار کرد و گروه دیگر را محروم داشت. همه مردمی که در این سرزمین به سر میبرند و تاریخ و رسوم و سنن آرزوها و آمال مشترک دارند، صرف نظر از معتقدات مسلکی و مذهبی، شان باید امکان یابند، از انقلاب اسلامی ایران، با محتوای ضد استبدادی، ضد امپریالیستی، و مردمی آن بادل و جان حمایت کنند و در راه تحقق اهداف آن با تمام نیرو بکوشند. نمیتوان این حق و این وظیفه را از بخشی از مردم، به صرف آنکه عقاید مسلکی و مذهبی دیگری دارند، سلب نمود. تنها در آن جایی باید میان صف هاجدائی افتد و مرز بندی آغاز شود که انقلاب و ضد انقلاب در برابر هم ایستاده اند. در اینجا است که باید دست ضد انقلاب را از همه امکانات کوتاه کرد، تا نتواند ضربات مهلک خود را بر پیکر انقلاب وارد آورد. در پاکسازی ها و بازسازیها، چه در دستگاه دولتی و چه میان نیروهای مسلح، باید این تقسیم بندی اصیل و انقلابی را پایه و اساس کار قرار داد. عنصر انقلابی را جذب و ضد انقلابی را دفع نمود. هر تقسیم بندی دیگری به معنای تنگ کردن پایه های مردمی انقلاب و ضربه زدن به آنست که مآلا به سود امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی تمام خواهد شد. با حرکت از این مبدا، نه تنها باید نیروی انسانی متخصص و مومن به

محور درست

بقیه از صفحه ۱

انقلاب راهمچنان بر سر مسئولیت باقی گذارد، بلکه باید متخصصینی که به علت تعصبات گروهی و به گناه دگراندیشی در گذشته از کارها برکنار شده اند، دوباره به کار دعوت کرد. حتی آن عده از کادرهای علمی و فنی را، که توانائی لازم برای درک انقلاب از خود نشان ندادند، اند و بیگرنجی ها و دشواری های راه، آنان را به موضع بیطرفی یابی تفاوتی کشانده است، باید جذب کرد و با توضیح و اقناع آنان را به موضع دفاع فعال از انقلاب آورد. تنها ساواکی ها، و ایستگان فصال رژیم پیشین و ضد انقلابی های توطئه گر باید تا فرآیند پاکسازی شوند، و لو آنکه بالاترین تخصص و مهارت آنها جز در خدمت امپریالیسم و ارتجاع نیست.

در مورد متخصصان خارج از کشور نیز باید عینا همین قاعده و معیار را در نظر داشت. هزارها متخصص ایرانی داریم که مقیم کشورهای سرمایه داری اروپا، آمریکا و کشورهای سوسیالیستی هستند. بی تردید بخشی از نیروی انسانی مقیم اروپای غربی و آمریکا وابسته به رژیم طاغوت و تا مغز استخوان ضد انقلاب است. که باید به او هرگز امکان بازگشت و خراب کاری نداد. ولی بخش دیگر، که ضد انقلابی نیست و چه بسا هوادار انقلاب هم هست، باید به هر ترتیب جذب کرد و در خدمت مردم گمارد. بر متخصصین مقیم کشورهای سوسیالیستی نیز، که خود یا خانواده شان بعلمت مبارزه با نظام فاسد پیشین از وطن خویش هجرت کرده اند و اکنون مشتاقانه در انتظار مراجعت به ایرانند، باید راه گشود، تا بیایند و اندوخته های علمی و فنی خود را در خدمت مردم انقلابی قرار دهند. علاوه بر این جمع ناگافی، برای آنکه وابسته نمانیم، نیاز به پرورش کادر متخصص در همه رشته های دانش و فن داریم. در حال حاضر دهها هزار پزشک، دندان پزشک، پرستار، مهندس، معمار، معلم، دبیر و استاد کم داریم. با توجه به رشد جمعیت، نیاز کشور در این زمینه ها هر سال افزایش می یابد، و باید به موقع به مقابله با آن شتافت. برای پرورش چنین کادری گسترده دولتی نیاز است تا شبکه دانشگاهها را وسعت بخشد، بر تعداد مدارس حرفه ای و فنی بیفزاید و به خیل جمعیت رو به رشدی که خواهان کسب دانش و تخصص است، پاسخ مثبت گوید. در اینجا نیز معیاری جز ایمان و اعتقاد به انقلاب نباید در نظر باشد. نباید چنین پنداشت که در های دانشگاهها و مدارس عالی باید فقط بر روی گروه معینی از دانشجویان باز باشد و دانشجویان دگراندیش را پشت در گذارد بلکه باید به تمام جوانان مومن به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران صرف نظر از عقاید مسلکی و مذهبی آنان، امکان داد تا بیاموزند و مهارت کسب کنند و آنرا در خدمت اعتلای جامعه انقلابی خود قرار دهند. در برتو چنین برخورد صحیحی است که میتوان دروازه های پیشرفت و ترقی را به روی میهن ستم کشیده ما گشود و برای همیشه به وابستگی ها پایان داد.

یکی از ترندهای ایلیمانه ضد انقلاب خارجی و داخلی در راه مسخ انقلاب ایران آنست که گسانی، تعدد و حسابگرانه، مرز حقیقی بین انقلاب و ضد انقلاب را، با مرز بین عقاید و بینش های مذهبی و سیاسی مختلف (که وجود آنها در یک جامعه ناگزیر است) مخلوط می کنند. از این عمل "لوث کردن" نتیجه های زیادی برای ضد انقلاب حاصل می گردد:

مهمترین نتیجه این عمل آن است که یک فرد انقلابی را می توان با سیمای دشمن انقلاب معرفی نمود، برعکس یک فرد ضد انقلابی را می توان دوست انقلاب جلوه گر ساخت. یعنی زهر را به پاد زهر بدل کرد. و هم می دانند که امپریالیست های آمریکا و انگلیس در این نوع کیمیا گراییها استادند.

ملاک و مناط قضاوت درباره آن که فردی انقلابی است، آنست که در راه براندازی رژیم جابر سلطنتی مبارزه کرده، به جمهوری اسلامی ایران رای مثبت داده، با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موافقت نموده و از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی کرده است.

ملاک آنست که اینکارها تنها در گفتار نباشد، بلکه در کردار نیز باشد. یعنی آن فرد انقلابی در قول و فعل، با تمام قوا در این راه بکوشد و حتی اگر ضرور گردد از نثار جان خود نیز دریغ نرورد.

چنین فردی، صرف نظر از هر بینشی که از جهت مذهبی یا سیاسی - اجتماعی داشته باشد، مسلمان یا یاور انقلاب اسلامی ایران است و حتی قانون اساسی، به آنگاه آیه صریح قرآن کریم اجراء "بروقسط" را در حق این نوع یاوران امر کرده است.

حالا اگر بجای این ملاک و مناط منطقی و محسوس که قرآن و قانون اساسی نیز آنرا تأیید کرده اند، بی تأیید ملاک های من در آوردی ذهنی مطرح کنیم، آیا قصدمان لوث کردن مرز انقلابی و ضد انقلابی، و افشاندن تخم تفرقه در میان طرفداران انقلاب نیست؟ آیا قصدمان این نیست که بتدریج هواداران دگراندیش انقلاب اسلامی ایران را دلسرد کنیم و انقلاب را به سوی

انفراط ببریم؟ اگر هم قصد آگاهانه و عمدانه ما چنین نباشد، آیا نتیجه قهری و عملی این روش این نیست؟ اگر این محور غلط قضاوت را مثلا در عرصه سیاست خارجی انطباق دهیم، آنوقت اینطور حاصل می شود که، "کره شمالی" و "ویت نام" و "کوبا" دشمنان انقلاب مای شوند، ولی مصر و پاکستان و عربستان سعودی و عمان و از این قبیل به دوستان انقلاب مامبدل می گردند! ولی آیا در واقعیت امر، مطلب این طور است؟ و اگر هر عقل سلیمی تصدیق دارد که اینطور نیست، باید لحظه ای فکر کرد که چرا اینطور نیست؟

جوابی صدر و مسلمان نماهائی که گرد آور گرفته بودند و بیا لبرال ها و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکانی که پایگاه آنها هستند، خیلی زود "سه سه باره نه بار" از این انقلاب پشتیبان شدند، ولی چرا جمعی دیگر، که مسلمان نمائی نمی کنند، خون خود را در راه این انقلاب می ریزند؟ جواب چیست؟

رهنمود امام خمینی اینست که همه فریادهای خود را به سر آمریکا بکشید همه قلم هایتان را متوجه شیطان بزرگ ساید! کاری نکنید که با پیش کشیدن شعارهای دیگر آمریکا "منسی" و فراموش شود به یاری مستضعفان و کسوخ نشینان بشتابید!

جوهر اصلی و محتوی مرکزی رهبری امام خمینی، به شهادت صدها و صدها بار کلام ایشان، اینست و اینرا "لوث" کنندگان "بسیار خوب میدانند. ولی آنها می کوشند محتوی این رهنمود و رهبری را هم دگرگون کنند و امام خمینی را نه به صورت یک پیشوای انقلابی و اسلامی در جنبش مستضعفان "جهان سوم"، بلکه بصورت یک روحانی عادی، که به گفته خود امام جز "احکام حیض و نفاس" مسئله دیگری برایش مطرح نیست، معرفی کنند اولی بروید، پیام حج امام را بخوانید و مرکز ثقل رهبری او را دریابید!

بماند که این لوث (از روی تعدد یا از روی تعصب) آن کسانی که بشکل اثر بخش در خط سیاسی - اجتماعی امام خمینی صادقانه و بیگیرانه گام برداشته اند، مورد بهتان قرار می گیرند، آزار می بینند، تهدید می شوند، برایشان بهانه های مختلف خط و نشان کشیده می شود و این روش روز به روز، دمدم گستاخانه تر عملی می گردد.

لوث کنندگان حتی سعی دارند یاران متعهد امام خمینی را هم با زدن برجسب های "چپ" مرعوب کنند. حالا که مسئله بمب و ترور هم "در جوف" تهدیدات این لوث کنندگان هست! سخن دل آنها اینست: اگر "خط امام" را به معنای ما نفهمی و بخوای آنرا - آنطور که در واقع هست - یک خط ضد استکباری و

مانع از آن شده که پیشرفتی (در مذاکرات) حاصل شود. (صبح آزادگان - ۱۲ شهریور ۱۳۶۰) و به این ترتیب هنوز امپریالیسم ژاپن، ایران را سر می دواند. سرد و اندنی به مدت نزدیک به سه سال! و چنانکه یک مقام مسئول وزارت بازرگانی بین المللی و صنایع ژاپن گفته است، ژاپنی ها: "در انتظار ورود یک هیئت مذاکره کننده ایرانی، که ورود آنها از سوی حکومت ایران وعده داده شده است، برای تصمیم گیری در اینباره هستند." (همانجا) در همین حال، ژاپنی ها تصمیم دیگری علیه ایران اتخاذ کردند: وزارت صنایع ژاپن اعلام کرده که سیزده کمپانی نفت ژاپنی تصمیم گرفته اند قرارداد های واردات مواد نفتی از ایران را، که موعده آنها در آفرمه جاری بسر میرسد، تجدید نکنند" (اطلاعات - ۱۶ شهریور ۱۳۶۰) امپریالیست های ژاپنی در خصوصت با ایران تا آنجا پیش رفته اند که: "این نخستین بار است که شرکت های نفت ژاپن به قراردادهای خرید مستقیم نفت از یک کشور عضو اوپک پایان می دهند" (همانجا) حالا با اعلام این خبر، که کمترین شکی در دشمنی امپریالیست های ژاپن - به عنوان جز لاینفک امپریالیسم جهانی - با ایران باقی نمی گذارد، باید پرسید:

مردمی بدانی، باید به نزد شهیدان ارجمند بهشتی و رجائی و باهنر بروی! این تهدیدات مستقیم و غیر مستقیم متوجه یاران انقلابی امام میشود و آنها در این میانه بی گیرترین و سرسخت ترین راتشخیص میدهند و به ارباب معرفی می کنند.

خطر این لوث کنندگان را کوچک نگیریم! نقش آنها، همراه "ناراضی" تراشان، که از طرق مختلف افراد معصوم را تحت فشار قرار میدهند، ایجاد لاقیدی و دلسردی و سوء ظن عمومی و در نتیجه منفرد ساختن انقلاب است.

این گروه بزرگ و فعال که کارش "منفرد کردن انقلاب" و "لاقید ساختن مردم" است و از جهت داشتن پشتوانه ها و وسایل کار بسیار مجهز است و سفسطه های شیعه اسلامی خود را خوب ردیف کرده، در عین حال به دو هدف میزنند از سوئی ایجاد تفرقه و دلسردی و از سوی دیگر بی بروگردن جمهوری اسلامی ایران و بی اعتبار کردن همان اسلام، که برای آن ظاهرا حرارت و تعصب به خرج میدهد.

آیا این گروه خطرناک در کار خود موفقیت داشته است؟ آری! علی رغم آنکه نیروهای صدیق اسلامی و انقلابی تا حدی این دستها را خوانده اند، ولی تاکنون مقاومت موثری در مقابل آنها نیست، همچنان مستدهای قدرت فراوانی در همه جا تحت اختیار آنهاست.

تاکنیک امپریالیسم آمریکا را برای ازمیان بردن انقلاب ما میتوان در یک جمله خلاصه کرد: "تلفیق فشارهای گوناگون نظامی، اقتصادی و اخلاقی - روحی مختلف از خارج با فشارهای گوناگون تخریبی و تروریستی و ایجاد تفرقه و دلسردی و ناراضی در داخل." هدف این تاکنیک ایجاد هر چه و هر چه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برای کودتا یا مداخله نظامی یا مسخ ضیاء الحقی و ساداتی انقلاب است، در این زمینه ماشین دوزخی عظیمی بحرکت در آمده است.

متأسفانه جز برخی تحلیل های بلیغ و به شکل بسیار تصادفی خوب در رسانه ها، درباره این تاکنیک بیچیده و دوجوانب امپریالیستی عملا چیزی به مردم گفته نمی شود. تنها استفاده از شور عقیدتی مردم کافی نیست. باید عقل ها را نیز به حرکت در آورد. ما که در گفتگوی با افراد روشن، که ابداسو نیتی ندارند، می بینیم که آنها واقعا گیجند و قدرت تحلیل مسائل را ندارند و وقتی مطلب را برایشان می شکافید، از سردرگمی بیرون می آیند.

عمل توضیحی - تحلیلی بسیار مهم است و رسانه های گروهی در خط امام باید در این زمینه بیش از آن بکوشند که تاکنون کوشیده اند.

آیا هنوز هم مذاکره با ژاپن لازم است؟ آیا مذاکرات این سه سال نیست شوم امپریالیسم ژاپن را روشن نکرده است؟ آیا هنوز امید هست که ژاپنی ها، در اوج حطالت امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکا، برای درهم شکستن انقلاب ایران، به متحدان خود پشت کنند و صنایع ما را راه بیندازند؟ و باید پرسید: اگر در همان سال ۱۳۵۸ به مجارستان اجازه کار داده نشده بود، آیا اکنون این صنایع، که "سالانه شصدهزار تن گاز اتیلن" (همانجا) تولید می کند و سرمایه گذاری اولیما ۳۰۰ میلیون دلار است، مشغول کار نبود؟ باکمال تأسف نه تنها تاکنون چنین نشده بلکه شرکت پتروشیمی ایران و ژاپن ماهیانه ۴ میلیارد پین ژاپنی (معادل ۱۷ میلیون دلار) "از لحاظ بهره دستمزد کارگران باقی مانده در محل کارگاه (همانجا) خرج دارد! به نظر ما، مذاکرات با امپریالیست های ژاپنی، سرنوشتی بهتر از مذاکرات سه سال گذشته ندارد. در حال حاضر راه حل همان است که سه سال پیش بود و سه سال بعد خواهد بود: سپردن کار به کشوری که حاضر باشد با احترام به حق حاکمیت ایران بدون چشمداشت غارتگرانه بدون شرط سیاسی، بر اساس برابری حقوق و نفع متقابل، کار را فوراً آغاز کند."

برای پایان دادن

بقیه از صفحه ۱

در این موقع مجارستان پایان دادن به ساختمان مجتمع را پذیرفت. مجارستان حاضر بود، بدون قید و شرط سیاسی، ادامه ساختمان مجتمع را بلافاصله آغاز کند. اما هنوز جوهر پیشنهاد مجارستان خشک نشده بود، که ژاپنی ها، بایک چشمک رضایت برای پایان دادن کار مجتمع مقامات مسئول ایرانی را از بستن قرارداد با مجارستان منصرف کردند. وقتی دولت موقت مجارستان را جواب کرد، دولت ژاپن با خیال راحت سردواندن ایران را آغاز کرد. یک سال بعد، یعنی در تیر ماه ۱۳۵۹، کیوچی تسوت سومی، معاون مدیر عامل بخش خاور میانه وزارت امور خارجه ژاپن اعلام کرد: "ژاپن مایل است این طرح را، که ۸۵ درصد آن انجام شده است، به تمام برساند. ژاپن اهمیت انقلاب ایران را درک می کند، ولی تا زمانی که گروهان های آمریکائی در اسارت باشند، ژاپن نمی تواند با ایران همکاری کند" (بامداد - ۵ تیر ۱۳۵۹) بدینسان معلوم شد که دولت ژاپن یک

سال دیگر ایران را سرگردانده و بالاخره هم برای انجمن ندان تعهد خود به بهانه "گروگان" هامتوسل شده است. در همان هنگام، امیر ناصر کوهیار، رئیس هیئت نمایندگی ایران در ژاپن، طی اعلامیه ای در ژاپن اعلام داشت: "دولت ژاپن نمایندگان ایران را سر می دواند و اگر ژاپن باین سیاست ادامه دهد، طرح مجتمع به یک کشور اروپای شرقی سپرده می شود." (تلویزیون - ۲۴ تیر ۱۳۵۹) بدینال اعلام این خبر، نیروهای مترقی تاکید کردند که ژاپن، بعنوان بخشی از جهان سرمایه داری، حاضر نیست مجتمع پتروشیمی را تمام کند و پیشنهاد نمودند: "باید کار پایان دادن به مجتمع را به هر کشور، که شرایط برابر حقوق را بپذیرد و نرادد، اسرع وقت پایان رساند، محول کرد. اما متأسفانه گوش شنوائی برای این پیشنهاد درست و منطقی نبود. دیگر از طرح خبری نشد، تا یک سال و نیم بعد. روزنامه "صبح آزادگان" روز ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ خبر داد که، مذاکره هنوز به نتیجه نرسیده است. این بار دولت ژاپن اوضاع داخلی ایران را بهانه نکرد. روزنامه "آساهی" در این زمینه نوشت: "جنگ ایران و عراق از سه تا سه سال گذشته و همین اواخر وخیم تر شدن اوضاع داخلی ایران

وقایع مهم جهان در یک هفته

اخطار اتحاد شوروی به رهبری لهستان

درباره تبلیغات خصمانه ضد شوروی ضد انقلابیون

سفیر اتحاد شوروی در ورشو از طرف رهبری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توجیهی لهستان را به این واقعیت جلب کرد، که عناصر ضد - انقلابی آن کشور به کارزار گسترده دروغ و بهتان علیه اتحاد شوروی دست زده اند...

لهستانی نوشتند و از آنها خواستند تا اجازه دهند که رهبران "همبستگی" آنها را از راه سوسیالیسم به بیراهه بکشاند.

کارگران شوروی تصمیمات کنفرانس گدانسک "همبستگی" را به باد انتقاد گرفتند، که مبارزه آشکار علیه حزب، دولت و خلق لهستان را آغاز نهاد.

کارگران لنینگرادی با اصطلاح فر-خوان کنفرانس را به مردم اروپای خاوری ردمی کنند، که در آن "همبستگی" اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را آماج حملات ضد انقلابی خود قرار می-دهد.

کارگران "کیروف" تعجب می کنند که چگونه مولفان این باصطلاح فراخوان "درس زندگی و کار" به آنها می دهند، نامهای دیگر از کارگران یک کار - خانه کامیون سازی خاطر نشان می سازد که "طبقه کارگر لهستان میتواند همیشه به پشتیبانی و همبستگی مردم شوروی مطمئن باشد، که بگفته لئونید برژنف لهستان سوسیالیستی برادر را تنها نخواهد گذاشت و به کمک آن خواهد شناخت."

آقای هیگ، چیزی مهم تر از صلح نیست!

روز یکشنبه ۲۲ شهریور ۶۰، هشتاد هزار نفر در برلین غربی در تظاهرات علیه سیاست صلح ستیز تسلیحاتی "واشینگتن" شرکت کردند. این تظاهرات همزمان با دیدار غیرقانونی ژنرال هیگ، وزیر خارجه آمریکا، از این شهر صورت گرفت.

یکی از شعارهای تظاهرکنندگان برلین غربی "آقای هیگ چیزی مهم تر از حفظ صلح نیست!" بود. یادآور می شویم که وزیر خارجه آمریکا چندی پیش گفته بود: "چیزهایی هست، که مهم تر از صلح است. همچنین در شهرهای بن و فرانکفورت تظاهرات مشابهی صورت گرفت. در بن، پایتخت جمهوری فدرال آلمان، تظاهرکنندگان پرچمی بر شهرداری افراشتند، که روی آن هیگ به کشورت برگرد نوشته شده بود.

افکار عمومی جهان پشتیبانی واشنگتن را از پرتوریا محکوم می کند

کنفرانس هفت کشور آفریقایی در لاگوس دولت ایالات متحده را به خاطر پشتیبانی آن از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی شدت محکوم کرد. اعلامیه این کنفرانس خاطر نشان می سازد: "این پشتیبانی پرتوریا را تشویق می کند تا به جنایات خود علیه آنگولا و دیگر کشورهای مستقل ادامه دهد."

رهبران آنگولا، موزامبیک، زامبیا، تانزانیا، بوتسوانا، نیجریه، زیمبابوئه "سواپو" در اجلاس دریای تبخت نیجریه در روز جمعه ۲۵ شهریور ۱۳۶۰ به بررسی اوضاع قاره آفریقا پس از تجاوز آفریقای جنوبی به آنگولا پرداختند.

آنها خواستار آن شدند که رژیم "پرتوریا" بیدرنگ و بلاشرط نیروهای خود را از آنگولا فراخواند. نیروهای اشغالگر آفریقای جنوبی در آنگولا به کشتار و دستبرد مردم غیر-نظامی دست می زنند. آنها در حملات به شهر اونجیوا از بمب های ناپالم استفاده کردند. که به خسارات سنگین به سکنه انجامید.

یکی از سخنگویان ارتش آنگولا به روزنامه "ژورنال دی آنگولا" گفت، که تجاوزکاران گلگه ها، ماشین ها، بولدوزر - ها و دیگر تجهیزات فراوان را از خاک آنگولا با خود به آفریقای جنوبی بردند.

به گفته سفیر شوروی: "رهبران سازمان های ضد انقلابی ک.و.س.ک. و.و.ر. و با اصطلاح "کنفدراسیون لهستان آزاد" در سخن - رانی های خود به تبلیغات گستاخانه علیه اتحاد شوروی می پردازند."

در تذکار به نامبرده آمده است که: "ادامه تحمل پدیده های شوروی - ستیزانه به مناسبات میان لهستان و اتحاد شوروی لطافت سنگین وارد خواهد آورد با تعهدات هم پیمانی لهستان مغایر است و به سود منافع حیاتی خلق لهستان نیست."

رهبری شوروی اظهار امیدواری کرده است، که "بسی درنگ گام های قاطعانه ای از سوی رهبری حزب متحد کارگری لهستان" و دولت لهستان برای پایان بخشیدن به تبلیغات شوم و اقدامات ضد شوروی علیه عناصر ضد انقلابی برداشته شود."

از سوی دیگر، سی هزار کارگر کارخانه کیروف لنینگراد، که دارای سنن انقلابی معروف است، نامه ای به کارگران

هم پیمانی های لهستان را خطرناک می - خواند.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان "درباره باصطلاح "کنفرانس گدانسک" همبستگی" در بیانیه ای اظهار داشت که:

"هدف این کنفرانس رویاروی، خونریزی، احراز قدرت و تغییر نظام سیاسی لهستان بوده است."

در بیانیه نامبرده گفته می شود: "همبستگی" به نقض یک جانبه قرار داد متقابل میان دولت و این اتحادیه، که در سال پیش انعقاد یافت، دست زد است. برنامه گدانسک برنامه کارگری نیست. "همبستگی" برای پیش - برد هدف های خود از نیروهای مخالف، ضد انقلابی و ماجراجو یاری میگیرد، که با مراکز خرابکاری غرب پیوند دارند."

بیانیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان "وضع آن کشور را "خطرناک" میخواند و می افزاید: "خطر گروهک های ضد انقلابی برای کشور افزایش می یابد. این حقیقتی است، که همه مردم باید آنرا بدانند. به سود خلق و استقلال لهستان است، که جلوی دیوانگان سیاسی گرفته شود. ما نگرانی عمیق کشورهای دوست و به ویژه نزدیک ترین هم پیمان خود، اتحاد شوروی را بخوبی درک می کنیم."

هیئت سیاسی تاکید می کند که: "دولت برای دفاع از سوسیالیسم از همه امکانات خود استفاده خواهد جست."

لئونید برژنف: اتحاد شوروی حاضر است موشک های مستقر در مناطق باختری خود را کاهش دهد

در دیداری میان یک هیئت نمایندگی "حزب کارگر بریتانیا"، به ریاست مایکل فوت، رهبر این حزب، و لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، برژنف گفت:

"چنانچه حسن نیت موجود باشد مسئله جنگ افزارهای میان برد هسته ای در اروپا قابل حل است."

رهبر شوروی افزود: "اگر آمریکایی ها موضعی خرد - پسندانه اختیار کنند و اجرای تصمیم معروف "ناتو" (درباره استقرار موشک های هسته ای میان برد جدید آمریکایی در اروپای غربی) منتهی شود، اتحاد شوروی میتواند شمار موشک های مستقر در مناطق غربی خود را کاهش دهد."

از سوی دیگر مارشال دیمتری اوستینوف، وزیر دفاع شوروی، گفته است که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی خواهان گفتگو و پیشبرد تنش زدایی هستند.

مارشال دیمتری اوستینوف، که در پایان مانورهایی در نواحی غربی اتحاد شوروی و دریای بالتیک سخن می گفت، اظهار داشت:

"محافل حاکم آمریکا از پاسخ به پیشنهاد های صلح اتحاد شوروی طفره می روند، به تخریب گفتگوهایسی، که هدف آنها تقویت صلح است، می پردازند و با سرعتی بی مانند به نباشت جنگ - افزار دست زده اند."

ایالات متحده آمریکا به بهانه "واهی" "خطر شوروی" میخواهد بر اتحاد شوروی برتری نظامی یابد. محافل ارتجاعی امپریالیسم به هر وسیله ای دست می یازند تا بر بنیادهای سوسیالیسم در جامعه کشورهای سوسیالیستی خلل وارد آورند."

مارشال اوستینوف در این زمینه به نمونه "کوشش پیمایی غرب برای مداخله در رویدادهای لهستان" اشاره کرد. وی افزود:

نزدیکی چین به تجاوزکارترین نیروهای امپریالیسم به افزایش تشنج در جهان انجامید است. وزیر دفاع اتحاد شوروی گفت: "در شرایط افزایش تهدید نظامی نیروهای مسلح شوروی دارای وظیفه ای استثنائی برای نگهداشت صلح هستند. آنها باید بیوسته آمادگی خود را برای رزم حفظ کنند و در این گستره از هر وسیله ای برای دفع نابود سازانه تجاوز - کارودفاع از میهن سوسیالیستی و دوستان و هم پیمانان خویش برخوردارند."

به همه شهیدان راه میهن و انقلاب

این جنگ مقدس

سیاهی پرده در خون می کشد بر قامت سنگر افق در بستر آتش شفق رامی سراپد سرخ و سوز تب گل شبگیر را می پرورد گلگون

رفیقا! یارمن! جنگ مقدس را پذیرا باش جلا ده تیغ سرخ کینه های پاک بیارا سینه را از آخگر پر تاب خشم افروز درفش رزم عشق و زندگی مان را به روی خاکریز سنگر مردان به پامی دار صلا ی مرگ دشمن را برآور غرش رعد از دهان تیربار و توپ

رفیقا! یارمن!

کنون سالی است تا میهن درون کوره های زخم می سوزد و ای بس کز تناور پیکر پاکش به کوه و دشت و شهر و روستای غرب به خوزستان

شقایق های خون و آتش و پولاد رویداده است. وز آن پس بیشتر بنگر - قرین ننگ تا جاوید - چه برخاک مذلت او فتاده لاشه دشمن

رفیقا! یارمن!

سپیدی می زند بر دامن شب روز نزدیک است تو را از اوج می خواند سروش فتح تو را برمی نشاند انقلاب توده ها بر قله تاریخ مبادت خستگی دلواپسی سستی فروزان باد در آتشک جانت امید و عشق فرازان باد در دستت درفش فخر تو پرچمدار خلقی پاسدار انقلابی مرد پیکاری به روز و شب تو بیداری تو برکاری کنون در آستان روز پیروزی - که تنگ آمد جهان بر دشمن مزدور اهریمن - همه توش و توان خود فراهم دار به کین دندان بی فشار و هجوم آور که این پایان راه رنج خلق قهرمان ماست نوید راستین شادی و بهروزی فرداست

م. کاوه ۶۰/۶/۲۸

الکساندر هیگ باز هم دروغ می گوید

خبرگزاری افغانی "باختر" ادعاهای الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا را درباره استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی از سوی اتحاد شوروی و متحدان آن در کامبوجیا، لائوس و افغانستان "بهتان آمیز" خواند.

چند ساعت پیش از آن، چند کارشناس رسمی دولت آمریکا اعتراف کرده بودند که سندی برای اثبات این ادعا ندارند. گفته های هیگ را مقامات ویتنام نیز تکذیب نمودند.

بنوشته "ایزوستیا" هدف الکساندر هیگ از این ادعاها منحرف ساختن افکار عمومی از تدارک جنگ شیمیایی از سوی "پنتاگون" است.

از سوی دیگر، چندین دیپلمات خارجی مقیم کابل نیز ادعاهای الکساندر هیگ را نادرست خواندند.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین)

آدرس: منطقه ۳ پستی

صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴